

شناخت گیهان شناخت

سید محمود مرعشی نجفی

مقدمه:

گسترش و نفوذ شگفت‌آور زبان و ادب فارسی در سده‌های پنجم، ششم و هفتم قمری در ایران و خارج از ایران - از اقصای فرارود (= ماوراءالنهر) تا کرانه‌های مدیترانه و از کناره‌های دجله تا آن سوی رود سند و ناحیه پنجاب، بلکه تا بخشی از خاک چین - و به کرسی نشستن این زبان کهن به عنوان زبان دوم آیین پاک اسلام و علم و ادب، معلول علل گوناگونی بود که به اختصار به آنها می‌پردازیم:

۱. تولد دوباره آثار فرهنگی مکتوب به زبان فارسی، نتیجه تلاشی بود که در دوران سامانیان صورت گرفت. در این دوره، ادیبان و نویسندگان بزرگ فرارود، خراسان و سیستان، در پرورش نظم و نثر فارسی، از نیمه سده سوم تا میانه سده پنجم هجری^۱، اساس استواری را پی افکندند که سرآغازی برای شاعران و نویسندگان دوره بعد شد.

۲. فزونی امیران و خاندانهای بزرگ و رجال ثروتمند در این دوره و در این گستره جغرافیایی، عامل بزرگی برای افزایش تعداد شاعران و نثرنویسان گردید؛ زیرا ایشان در گرداگرد خود، گروهی قابل توجه از اهل علم و ادب را فراهم آورده و مردم را به فراگیری علم و ادب تشویق می‌کردند و گاه، خود نیز در جرگه پارسی‌گویان قرار می‌گرفتند که همین روند، به رشد، توسعه و نفوذ زبان فارسی در میان مسلمانان، کمک شایانی نمود.

۳. لشکرکشیهای غزنویان و سلجوقیان و پیروزیهای چشمگیر آنان، موجب شد که زبان و ادب فارسی، از اقصای فرارود تا کرانه‌های مدیترانه و از سواحل دجله تا آن سوی رود سند و ناحیه پنجاب به تدریج، گسترش یافته و در نتیجه، شاعران و نویسندگان در این گستره پهناور، پرورش یابند.

۴. در این روزگار، مراکز ادبی فارسی، از انحصار شرق ایران بیرون آمد و در دیگر نواحی؛ از قبیل عراق و آذربایجان نیز، مراکز مهم ادب فارسی شکل گرفت و در نهایت موجب پیدایی شاعران و نویسندگان بزرگ و جدیدی شد.

۱. سهم شاعران و ادیبان خراسان بزرگ در این زمینه از دیگر مناطق، چشمگیرتر است، از جمله آنها می‌توان از شاعران برجسته زیر نام برد که از اواخر سده دوم تا پایان سده پنجم ق نسبت به دیگر شاعران، از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار بودند:

- ۱- ابوالعباس مروزی (اواخر سده دوم ق) که قصیده‌ای به فارسی در مدح عبداللّه بن مأمون عباسی به هنگام ورود به خراسان سروده است؛
- ۲- محمود وزّاق (م ۲۲۱ ق)؛ ۳- فیروز مشرقی (م ۲۳۸ ق)؛ ۴- ابوشکور بلخی (اوایل سده چهارم ق)؛ ۵- ابوليث طبرستانی جرجانی (سده چهارم ق)؛
- ۶- ابواسحاق مجدالدین «کسانی مروزی» (۳۴۱-۳۸۹ ق)؛ ۷- ابوالحسن شهید بلخی، در عصر آل سامان؛ ۸- ابو حنیفه یا ابوالقاسم مروزی غزنوی (متوفی ۳۸۴ ق)؛ ۹- ابواسحاق محمدابراهیم بن محمد بخارایی؛ ۱۰- شیخ ابوالعباس فضل‌بن عباس مروزی؛ ۱۱- دقیقی مروزی (م ۳۴۱ ق) که به دست غلامان ترک به هلاکت رسید؛ ۱۲- منصور بن محمد «عمار مروزی» (نیمه دوم سده چهارم ق)؛ ۱۳- ابوالحسن محمد، «رودکی بخارانی» (سده پنجم ق)، «رودک» روستایی از بخش نَسَف از توابع شهر بخاراست که در جمهوری ازبکستان قرار دارد؛ ۱۴- کلیم اسدی طوسی، دولتشاه سمرقندی وی را استاد فردوسی دانسته است؛ ۱۵- ابوالقاسم منصور بن فخرالدین احمد «فردوسی طوسی»، صاحب شاهنامه؛ ابوالقاسم حسن بن احمد «عنصری»؛
- ۱۷- ابوالحسن علی بن قلع و قزخی سیستانی، دولتشاه سمرقندی، وی را از مردم «ترمد» دانسته است؛ ۱۸- ابونظر عبدالعزیز بن منصور «عسجدی مروزی»؛ ۱۹- ابویزید محمد عضائری رازی، «عضائری» به معنی کاسه است؛
- ۲۰- بندار رازی؛ ۲۱- ابوالنجم احمد «منوچهری دامغانی»؛ ۲۲- ابوالفخر مسعود سعد سلمان (نیمه دوم سده پنجم و اوایل سده ششم ق)؛ ۲۳- حکیم عمر خیام نیشابوری (اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم ق)؛ ۲۴- محمد بن عبدالملک «امیر معزی نیشابوری».

یافت، نثر فارسی نیز، به اوج کمال خود رسید. پیش از آن، در سده سوم و چهارم، مؤلفان و دانشمندان ایرانی، بیشتر آثار خود را به زبان عربی^۳ می‌نوشتند؛ ولی در سده پنجم قمری به بعد، عالمان ایرانی، هردو زبان را برای تألیف و تصنیف آثارشان به کار گرفتند و به همین دلیل شمار آثاری که در علوم مختلف، در این سده، به زبان فارسی نگارش یافت، نسبت به سده چهارم، نزدیک به چهار برابر فزونی یافت.^۴

درنگی در فارسی‌نگاری دانشوران:

گذشته از عارفان نامداری همچون خواجه عبدالله انصاری و عالمان بزرگی چون حکیم عمر خیّام نیشابوری و ناصر خسرو قبادیانی، گروه بسیاری از دانشمندان و ادیبان ایرانی، از قبیل: بلعمی، طبری، بیرونی، اسماعیل مستملی بخارائی، خوارزمی، فرغانی، حکیم ابوالقاسم سمرقندی، ابوحفص سُغدی و ابوالفوارس قناورزی نیز، آثار خویش را به فارسی نگاشته‌اند که اکنون بیشتر آثارشان موجود است و ما در این گزارش، به عنوان نمونه، تعدادی از نثرنویسان و ادیبان سده‌های پنجم، ششم و هفتم قمری را، که در موضوعات گوناگون، آثاری پدید آورده‌اند، به شرح زیر نام می‌بریم:

۱. ابو حکیم ربیع بن احمد اخوینی بخاری، - با یک واسطه - از شاگردان مکتب ابوبکر محمد بن زکریای رازی، مؤلف کتاب هدایة المتعلمین در طب؛ نسخه بسیار کهن و نفیسی از آن در کتابخانه بودلیان، در شهر آکسفورد انگلستان موجود است که تاریخ

۱. نسخه‌ای از دانشنامه قدرخان، تألیف فاروقی هندی که در سده نهم ق کتابت شده و اکنون در کتابخانه مرکز شرق‌شناسی نسخ خطی فرهنگستان علوم آذربایجان در شهر باکو قرار دارد، دربرگیرنده لغات فارسی به فارسی است که بیشتر به احیای دوباره لغات متروکه فارسی پرداخته و نظیر این آثار در شبه قاره هند طی قرن‌ها به وجود آمد و موجب رشد و شکوفایی بیشتر زبان و ادب فارسی، در آن سرزمینها گردید.

۲. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۳۲۵/۲-۳۲۶، ۳۳۱.

۳. آثار عربی دانشمندان ایرانی باعث شد که متأسفانه برخی از نویسندگان عرب‌زبان معاصر، بپندارند که این دانشمندان، عرب هستند؛ به‌ویژه در کتاب عروبة العلماء المنسوبون إلى البلدان الا عجمية دانشمندانسی مانند: ابن سینا، فارابی، بیرونی، غزالی و بسیاری دیگر، یا از روی تعصب یا ناآگاهی، عرب شمرده شده‌اند؛ در حالی که تردیدی در ایرانی بودن آنان وجود ندارد، و بدیهی است که تألیف آثار عربی، موجب عرب بودن آنها نمی‌باشد. در عصر حاضر نیز، برخی از علمای ایرانی، آثار خود را به زبان عربی نگاشته‌اند؛ زیرا مخاطبان زبان عربی، بیش از زبان فارسی است و نمی‌توان ادعا کرد که اینان عرب هستند.

۴. تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان «از ظهور رودکی تا شهادت سهروردی»، ۳۳/۱.

۵ جنبشی که از نیمه نخست سده پنجم ق، به وسیله عالمان و متکلمان معتزله و دانشمندان و فلاسفه، در تألیف و تصنیف کتابهای علمی، به زبان فارسی، به وجود آمده بود، موجب گردید که نثر فارسی در تاریخ ادبی ایران، بیش از پیش، رو به کمال و ترقی رود؛ تا آنجا که آثار پرباری به زبان صحیح فارسی پدید آمد؛ سرآمد آنان در این سده، حجت‌الاسلام غزالی است که به این مهم دست یازید و آثاری را به وجود آورد که از برترین و صحیح‌ترین نمونه‌های نثر فارسی است. از سوی دیگر، نزدیک به نیمی از سده پنجم قمری را در ادبیات فارسی، باید عصر تألیف کتابهای لغت و فرهنگنامه‌ها دانست؛ کهن‌ترین فرهنگهای تازی به پارسی در این سده، در خراسان آن روز پدید آمد که آن را در ادامه این گزارش خواهیم آورد.

۶. از آغاز این دوره، شعر و نثر فارسی، در بستری مردمی‌تر از پیش، به کار گرفته شد و از اوایل این سده، شعر و ادب و نثر فارسی، برای ارشاد مردم، در خانقاه‌ها و در آثار صوفیان، رسوخ فراوانی یافت و در تمامی مجالس سماع و وعظ و ارشاد، در بیشتر کتابهای عرفانی و منظومه‌های صوفیانه که در ایران آن روزگار به وجود آمد، زبان ساده فارسی، به شکلی که مورد فهم همگان باشد، به کار گرفته شد. بدین ترتیب، زبان و ادب فارسی که تا آن زمان، تنها مورد حمایت دستگاه‌های حکومتی بود، در میان مردم گسترش یافت و از آن پس، عالمان، ادیبان و نویسندگان، نگارش کتابها و آثار خویش را به زبان فارسی آغاز کردند.

در این دوره، زبان و ادب فارسی، در خارج از نواحی ایران نیز، انتشار یافت و این امر، معلول برخی علل و عوامل سیاسی و نظامی بود؛ زیرا دولت نوحاسته غزنوی که توان توسعه کشور را از سوی مغرب نداشت، کوشید تا اراضی وسیع و پر نعمتی را که در مشرق و جنوب شرقی مستملکات آنان قرار داشت، فراچنگ آورد. این سرزمینهای آباد عبارت بودند از: ولایات پیرامون رودخانه سند، که به تدریج زبان و ادب فارسی در آنجا رسوخ یافت و از آنجا به نواحی هندوستان - که بعدها فتح گردید - گسترش یافت و برای دوره متمادی، در هندوستان^۱ ریشه گرفت و ماندگار شد و از آنجا تا درون خاک چین نیز ادامه یافت.

همچنین در زمان سلجوقیان و سلسله‌های تابع آنان؛ یعنی سلسله‌های غلامان و قبایل ترک‌نژاد پیرامون شام و آسیای صغیر، زبان فارسی که زبان رسمی دربار سلجوقیان بود، رشد و گسترش یافت.^۲

در سده پنجم و ششم قمری، به همان نسبت که شعر فارسی رونق



کتابت آن در ربیع الاول سال ۴۷۸ می‌باشد.^۱ این نسخه که به خط معقلی است، یکی از قدیم‌ترین نثرهای فارسی تاریخ‌دار موجود در جهان است.^۲

۲. شاهفور عمادالدین ابوالمظفر طاهر بن محمد اسفرائینی (م ۴۷۱ ق)، مؤلف تاج التراجم فی تفسیر القرآن بالاعاجم «تفسیر اسفرائینی».

۳. شهرمدان جبلی فرزند ابوالخیر رازی «دبیر مستوفی»، از ستاره‌شناسان و عالمان ایران در نیمه دوم سده پنجم قمری، مؤلف روضة المنجمین یا روضة المنجم و یا روضة النجوم و کتاب ارزنده نزهت‌نامه علائی^۳ که آن را در سال ۴۸۸ ق نگاشته است. نسخه بسیار کهن و نفیسی از روضة المنجمین که در سده هفتم قمری کتابت شده، در کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی^۴، به شماره ۱۱۹۲۵/۱ موجود است. مؤلف، نگارش این کتاب را در ماه رجب سال ۴۶۶ آغاز نموده است.^۴

۴. ابوالمعالی محمد بن عبیدالله علوی غزنوی، از سادات علوی و معاصر ناصر خسرو و نویسنده کتاب معروف و مهم بیان الادیان، که در تاریخ ۴۸۹ ق نگاشته شده و کهن‌ترین کتابی است که درباره مذاهب و ادیان، به زبان فارسی نگارش یافته و به دست ما رسیده است.

۵. ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ ق)، دبیر فاضل و تاریخ‌نگار دربار غزنویان و از معروف‌ترین نویسندگان این عصر و مؤلف کتاب بسیار مهم و بزرگی شامل بیست یا سی جلد، از آغاز سلطنت سبکتکین تا زمان سلطان ابراهیم (۳۶۶-۴۷۰ ق)، به نام: جامع التواریخ یا جامع فی تاریخ آل سبکتکین یا تاریخ مسعودی، معروف به «تاریخ بیهقی»؛^۵ کتابی که هم‌اکنون در دست است،

۱. دانشنامه جهان اسلام، ج ۴ (حرف ب)، ذیل «بودلیان»، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۲. نسخه کهن دیگری که در سال ۵۱۰ ق کتابت شده، در کتابخانه فاتح، در استانبول ترکیه نگهداری می‌شود.

۳. این کتاب نیز از کتابهای فارسی نفیس سده پنجم قمری است. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد. همچنین در سال ۱۳۶۲ ش، به تصحیح دکتر فرهنگ جهانیور، از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، در تهران، به چاپ رسیده است.

۴. نسخه‌های کهن دیگری از روضة المنجمین در کتابخانه‌ها موجود است که برخی از آنها بدین قرارند:

۱- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم سید جلال‌الدین تهرانی، مورخ پیرامون سال ۵۰۰ ق؛ ولی برحسب نظر کارشناسان، این نسخه آن‌گونه که از خط و کتابت و نوع کاغذ و وضعیت ظاهری آن برمی‌آید، مربوط به سده هفتم ق است و اکنون به شماره ۱۲۰۱۰، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است؛^۲ نسخه کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی، به شماره ۶۳۹۰، کتابت در سده ششم ق؛^۳ نسخه کتابخانه ملی ملک در تهران، به شماره ۳۶۰۵، کتابت در سال ۶۱۰ ق، در روستای «کهرام»؛

۴- نسخه کتابخانه توینگن در آلمان، به شماره «O.GUAF» مورخ دوشنبه ربیع الاول سال ۶۵۳؛^۵ نسخه کتابخانه دارالکتب المصریه در قاهره، به شماره (۲۸۳/۱)، مورخ سده هشتم ق؛^۶ نسخه کتابخانه موزه بریتانیا در لندن، به شماره «Add. ۲۷- ۲۶۱»، مورخ سالهای ۸۱۳ و ۸۱۴ ق، به خط ناصرالکاتب که آن را برای جلال‌الدین اسکندرین عمر شیخ بن تیمور (م ۸۱۷ ق)، کتابت نموده است؛^۷ نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «۲۰۵۳»، مورخ سال ۹۵۸ ق؛^۸ نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول در ترکیه، به شماره (۱۴۱۸/۱)، مورخ ۲۷ ذیحجه سال ۸۱۳؛^۹ نسخه کتابخانه ملایروز در بمبئی هند، به شماره «۱۰۳۹»، مورخ سال ۸۱۲ ق؛^{۱۰} نسخه کتابخانه آکادمی لیدن، در هلند، به شماره «F. ۱۲۷۷- ۱۳۶»، بی‌تاریخ؛^{۱۱} نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره «۱۴۱۸»، مورخ سال ۸۱۳ ق؛^{۱۲} نسخه کتابخانه دولتی برلین در آلمان، به شماره «MS. ORINT. QUART ۸۴۸»، در فهرست آن کتابخانه، نامی از روضة المنجمین نیامده و فقط به نام «کتاب فارسی در نجوم» آمده است. سیدحسن تقی‌زاده در کتاب گاهشماری در ایران، از این نسخه نام برده و در بررسی خود، مشخص کرده است که این نسخه، همان روضة المنجمین است، کتابت آن مشخص نیست و برگهای آن پراکنده دارد. متخبی از این کتاب نیز، در کتابخانه موزه بریتانیا، به شماره «Add ۲۳- ۵۶۸» نگهداری می‌شود که طی سالهای ۸۸۹- ۸۹۴ ق کتابت شده است.

کتاب روضة المنجمین، برای نخستین بار از روی نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، به صورت تصویری و با مقدمه جلیل اخوان زنجانی، در سال ۱۳۶۸ ش / ۱۴۰۹ ق، از سوی مرکز انتشار نسخ خطی، در تهران چاپ و منتشر شده است. نسخه‌هایی از تاریخ بیهقی، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود می‌باشد؛ یکی از کهن‌ترین آنها نسخه‌ای است که در کتابخانه ملی ملک در تهران، به شماره «۴۷۴»، موجود است که در شوال سال ۶۵۲ کتابت شده است. این کتاب را علی‌اصغر حکمت در مجموعه پارسی نثر، ص ۳۸۴- ۳۹۸، به سال ۱۳۲۹ ش، در تهران چاپ کرده است؛ نسخه‌ای نیز به شماره «۷۵۶۶»، در این کتابخانه بزرگ موجود است که در چهارشنبه ۴ رمضان سال ۱۲۵۹ کتابت شده است؛ نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مدرسه نواب مشهد مقدس، از کتب موقوفه فاضل‌خان موجود است که در سده دهم ق کتابت شده است. دیگر نسخه‌های خطی شناخته‌شده چندان کهن نمی‌باشد، نسخه‌های دیگر را شرق‌شناس مشهور روسی، «بارتولد» - که بیش از همه بر روی تاریخ بیهقی تحقیق نموده - تحقیق و منتشر کرده است و در تألیفات خود نیز، به ویژه در کتاب ترکستان، آورده که این اثر بیهقی، به گونه‌ای بایسته، شناخته نشده است. تاکنون چندین نوبت این اثر مفید، چاپ و منتشر شده که به تعدادی از آنها ذیلاً اشاره می‌کنیم:

۱- نخستین چاپ، در شهر کلکته هند، که آن را شرق‌شناس انگلیسی، «مورلی»، در هند، از روی چند نسخه خطی تصحیح نموده و پس از مرگش، به اهتمام «کاپتان ولیم ناسولیس»، در سال ۱۸۶۲ میلادی، در همان شهر به چاپ رسیده است.

۲- چاپ دوم سنگی در تهران، به تصحیح و تحشیه مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری که در سال ۱۳۰۵ ق چاپ شده است. وی در تصحیح آن از نسخه چاپ کلکته که در بالا اشاره شد و نیز از نسخه‌های خطی کتاب، سود جسته است.

۳- چاپ سنگی تهران، در سال ۱۳۰۷ ق، در دارالطباعه میرزا حبیب‌الله، به تصحیح محمدحسین اصفهانی، متخلص به «ادیب» و ملقب به «فروغی». احتمالاً این چاپ و چاپ فوق یکی باشد؛ لیکن مشخصاتی که در این چاپ

بخشی از آن می‌باشد.

۶. شیخ ابوالحسن علی بن ابوعلی عثمان بن علی جلابی هجویری غزنوی لاهوری (م ۴۶۴ یا به قولی ۴۶۵)، از عارفان نامدار سده پنجم ق و از نزدیکان شیخ ابوسعید و از پیروان حلاج و بایزید بسطامی، مؤلف کتاب عرفانی معروف کشف المحجوب لاریاب القلوب^۱، نخستین کتاب فارسی در تصوف، با نثر پخته و روان فارسی، و کتابهای البیان لاهل العیان یا الایقان؛ فنا و بقاء؛ دیوان اشعار؛ منهاج الدین؛ الرعاية بحقوق الله تعالى؛ نحو القلوب و غیر آنها.

۷. قاضی ابوعبدالله حسین بن احمد بن حسین زوزنی^۲ (م ۴۸۶ ق)، از ادیبان معروف زمان خود و نویسنده فرهنگ ارزشمند دوزبانه المصادر، یکی از قدیم‌ترین کتابهای لغت عربی به فارسی می‌باشد؛ نسخه بسیار نفیس و کهنی از این کتاب که در سده ششم ق کتاب شده، در این کتابخانه، به شماره «۱۲۲۴۴» موجود می‌باشد.^۳

→ آمده، دقیقاً با نسخه موجود چاپ سنگی در این کتابخانه بزرگ برابر است. اینجانب نسخه بالا را ندیده‌ام.

۴. چاپ تهران، سال ۱۳۲۴ ش، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، چاپخانه بانک ملی ایران.

۵. همان چاپ فوق، به صورت افست، از انتشارات گام و امین، تهران، ۱۳۳۶ ش.

۶. چاپ تهران، سال ۱۳۵۰ ش، به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض و به کوشش عبدالحسین احسانی، انتشارات ایرانمهر و کتابفروشی منوچهری.

۷. چاپ تهران، سال ۱۳۶۸ ش، در ۳ جلد، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات سعدی.

۸. چاپ مجدد ردیف دوم به صورت افست، در تهران، در سال ۱۳۷۰ ش، انتشارات خواجه.

۹. چاپ دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۵۰ ش، به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض.

۱۰. چاپ دوم دانشکده ادبیات مشهد، سال ۱۳۵۶ ش.

۱۱. چاپ انتشارات سنائی، در سه جلد، تهران.

۱۲. چاپ دانشگاه تهران، دو جلد، سال ۱۳۲۶ ش.

این کتاب از سوی دکتر یحیی الخشاب - استاد دانشکده ادبیات قاهره - و دکتر صادق نشأت - استاد دانشکده معقول و منقول سابق دانشگاه تهران و استاد دانشگاه قاهره - به زبان عربی ترجمه شده و در سال ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م، از سوی انتشارات «مکتبه الانجلو المصریة»، در قاهره، به چاپ رسیده است.

۱. این کتاب را وی، در لاهور، به درخواست شیخ ابوسعید هجویری غزنوی تألیف کرده است و یکی از شاهکارهای نثر فارسی در سده پنجم قمری است که جامع تصوف علمی و عملی است. تمام عقاید متصوفه مشهور سده پنجم و قبل از آن از این کتاب به دست می‌آید. یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های خطی آن، در کتابخانه شخصی مهدیقلی هدایت موجود بوده است و اکنون مشخص نیست که کجاست؟ تاکنون چند نوبت این اثر ارزنده چاپ و منتشر شده است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. چاپ لنینگراد سابق، در سال ۱۹۲۶ میلادی، به تصحیح و مقدمه مفصل، به روسی، از «والنتین ژوکوفسکی» که از روی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های بزرگ اروپا و آسیای میانه، تصحیح شده است.

۲. چاپ لاهور پاکستان، به تصحیح سید احمد علی شاه - استاد مدرسه اسلامیة و خطیب مسجد شاهی لاهور در پاکستان - که آن را از روی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های آن کشور، تصحیح و چاپ کرده است.

۳. چاپ تهران، سال ۱۳۳۶ ش، از انتشارات امیرکبیر، به تصحیح «والنتین ژوکوفسکی»، با ترجمه فارسی مقدمه مفصل روسی وی، به اهتمام محمد عباسی.

۴. چاپ تهران، سال ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م، انتشارات طهوری، به تصحیح همو و مقدمه قاسم انصاری.

۵. چاپ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، در اسلام‌آباد، به سال ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م، به تصحیح و تحشیه علی قویم و به کوشش ارشد قریشی.

کشف المحجوب دیگری، به فارسی، تألیف ابو یعقوب سجستانی - از دانشمندان سده چهارم ق - موجود است که در آیین اسماعیلیه نوشته شده و این اثر با مقدمه دکتر «هنری کُرین» فرانسوی، به سال ۱۳۶۷ ش / ۱۹۸۷ م، از سوی انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران و کتابخانه طهوری چاپ و منتشر شده است. این کتاب هیچ ارتباطی با کتاب کشف المحجوب هجویری ندارد.

۲. زوزن، به فتح هردو زاء، از توابع خواف شهرستان تربت حیدریه است. در زمانهای گذشته از اعمال نیشابور بوده است. این بخش، در گذشته، آباد و پرجمعیت بوده و بر سر راه کویر از جنوب خراسان، به سایر نقاط ایران بوده است. سمعانی (م ۵۶۲ ق)، زوزن را شهری بین هرات و نیشابور معرفی نموده و گوید: «برخی آن شهر را از کثرت دانشمندان که بدان منسوبند بصره الصغری خوانده‌اند».

۳. این نسخه نفیس، در گذشته، از اموال کتابخانه شخصی سعید نفیسی، در تهران، بوده که چندسال قبل، اینجانب آن را برای کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) خریداری نمودم. نسخه‌های کهن دیگری از کتاب المصادر، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود می‌باشد که تعدادی از آنها را ذیل‌آبر می‌شمارم:

۱. نسخه دیگر کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، به شماره «۱۰۷۴۸»، مورخ سال ۷۲۵ ق، به خط نسخ عبداللطیف بن محمد بن عبدالباری بن ابراهیم بن ظفر؛ ۲. نسخه کتابخانه لاله اسماعیل، در استانبول ترکیه، مورخ سؤال سال ۵۳۶ ق. این نسخه، قدیم‌ترین نسخه تاریخ‌دار این اثر به شمار می‌آید؛ ۳. نسخه کتابخانه ملامراد، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۷۷۰ ج ۲ / ۱۴۴۶»، مورخ سال ۵۵۰ ق، به خط نسخ حسن بن عمر الوالوجی؛ ۴. نسخه دیگر همانجا، به شماره «۱۲۵۹/۶»، مورخ سال ۵۵۰ ق، به خط همو، این دو نسخه، مکمل یکدیگر می‌باشند؛ ۵. نسخه کتابخانه راشد افندی قیصریه، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۱۴۹»، مورخ سال ۵۹۴ ق، خط نسخ؛ ۶. نسخه کتابخانه ترخان والده، در کتابخانه سلیمانیه، در استانبول، به شماره «۳۱۳»، مورخ سال ۶۲۵ ق، به خط نسخ خوش احمد بن محمد بکتاش همدانی، این نسخه، به ضمیمه کتاب السامی فی الاسامی، از ابوالفضل میدانی، که در یک جلد قرار دارند و به خط یک کاتب می‌باشد؛ ۷. نسخه کتابخانه قسطنطنیه، در ترکیه، به شماره «۱۱۶۹»، مورخ سال ۶۲۷ ق، به خط نسخ خوش محمود بن عمر بن یوسف «قیج»؛ ۸. نسخه دیگر همانجا، به شماره «۲۴۹۲»، نسخه کهن و بی‌تاریخ؛ ۹. نسخه کتابخانه حسین چلبی در شهر بورسای ترکیه، به شماره «۱۱۵۱»، مورخ ۱۲ صفر سال ۶۳۲، به خط نسخ محمد بن عمر کاتب ارزنجانی؛ ۱۰. نسخه کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۱۲/۱»، مورخ سال ۶۴۹ ق، به خط نسخ علی بن حسن بن محمد حافظ؛ ۱۱. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس، به شماره



۸. البلغة المترجم، در لغت، یکی از کهن‌ترین فرهنگهای تازی به پارسی است که در نیمه نخست سده پنجم قمری نگارش یافته و متأسفانه نگارنده آن مشخص نیست. تألیف آن در سال ۴۳۸ق، به انجام رسیده است. نسخه‌ای از آن ضمن مجموعه‌ای، به شماره ۵۸۳۹، در کتابخانه ملی ملک، در تهران، موجود می‌باشد که در سال ۷۲۲ق کتابت شده است.

۹. ادیب نطنزی، بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم (م ۴۹۷ق)، مؤلف دستوراللمغة^۱ در لغت تازی و کتاب الخلاص والمراقبة. نسخه‌های بسیاری از این کتاب، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور، از جمله، این کتابخانه، وجود دارد که قدیم‌ترین آن نسخه کتابخانه شخصی مرحوم فخرالدین نصیری امینی است که احتمالاً به سال ۴۷۵ق، در شهر اردبیل و در عصر مؤلف کتابت شده و به ظاهر از ایران، به خارج رفته است. گرچه احتمال زیاد دارد که در تاریخ کتابت این نسخه، دست‌کاری شده و در واقع، مربوط به سده هفتم ق می‌باشد.

۱۰. امیر عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس (م ۴۷۵ق)، هفتمین پادشاه آل زیار و مؤلف کتاب نصیحت‌نامه که به قابوس‌نامه شهرت دارد. وی این کتاب را برای فرزند خود گیلانشاه - شاهزاده ناحیه گیلان - نوشته است. نسخه‌های بسیاری از این کتاب، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود است.^۲

۱۱. ابو منصور موفق‌الدین بن علی هروی، از پزشکان سده پنجم

→ «۳۷۶۵»، مورخ ۱۷ ربیع‌الاول یا شوال سال ۶۷۰، به خط نسخ احمد بن محمد بن مزید بن حاج محمد صوفی اردبیلی، پیشتر این نسخه، در کتابخانه مدرسه فاضل خان، در مشهد مقدس قرار داشته و به هنگام تخریب ساختمانهای پیرامون حرم مطهر جهت توسعه، در سال ۱۳۰۷ش، به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی انتقال یافته است؛ ۱۲. نسخه کتابخانه چستیر بیتی، در شهر دوبلین، پایتخت ایرلند جنوبی، به شماره «۴۲۷۸»، مورخ سال ۶۷۴ق؛ ۱۳. نسخه کتابخانه جلیبی عبدالله افندی، در استانبول، به شماره «۳۸۰»، مورخ سال ۷۰۷ق، به خط نسخ موسی بن خلیل؛ ۱۴. نسخه دیگر کتابخانه چستیربیتی، به شماره «۴۱۰۶»، مورخ سال ۷۱۷ق، به خط نسخ زیبای ابوالمحاسن محمد بن سعید بن محمد «ابن ساوجی»؛ ۱۵. نسخه کتابخانه دارالکتب المصریة، در قاهره، به شماره «۲۷»، مورخ سال ۷۳۲ق، به خط ناصر بن احمد آملی؛ ۱۶. نسخه کتابخانه مجلس سنای سابق، در تهران، به شماره «۱۲۱۱/۱»، مورخ سال ۷۳۵ق، خط نسخ مُعرب؛ ۱۶. نسخه دیگر همانجا، به شماره «۱۴۱۶»، مورخ سال ۷۴۹ق، خط نسخ مُعرب؛ ۱۷. نسخه دیگر کتابخانه آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس، به شماره «۹۰۱۸»، مورخ سال ۷۸۷ق، به خط نسخ محمود بن خواجه اسماعیل آقشهری؛ ۱۸. نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به شماره «۲۲»، مورخ سال ۸۰۴ق، خط نسخ؛ ۱۹. نسخه دیگر کتابخانه ملی ملک، در تهران، به

شماره «۳۸۶»، مورخ سال ۸۶۸ق، به خط نسخ اسماعیل بن حسن بن سید احمد؛ ۲۰. نسخه کتابخانه عمومی - دولتی سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، مورخ سال ۹۲۵ق؛ ۲۱. نسخه کتابخانه کوپرلی، به شماره «۶۹۷» مجموعه‌ها، مورخ غزه ذیحجه سال ۸۷۰، به خط عوض بن ابراهیم سینیوی.

کتاب المصادر، چند نوبت به چاپ رسیده است، از جمله: ۱. جلد نخست، چاپ سال ۱۳۴۰ش و جلد دوم، به سال ۱۳۴۵ش، به کوشش تقی بینش، در مشهد مقدس؛ ۲. چاپ تهران، با مقدمه دکتر علی اکبر فیاض؛ ۳. چاپ تهران، در سال ۱۳۷۴ش نیز، به اهتمام تقی بینش، از انتشارات البرز، بر اساس پنج نسخه خطی موجود.

۱. مرحوم ابن یوسف حدائق شیرازی، در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، ۱۷۶/۲، حدس زده است که کتاب دستوراللمغة برای خواجه نظام الملک (م ۴۸۵ق)، نگارش یافته است. ابن یوسف دانشمندی توانا و کتاب‌شناسی فوق‌العاده بود که بدون بررسی دقیق، چنین ادعایی نمی‌کرد. وی کتابهای بسیار نفیسی داشت که چند سال قبل، اینجانب موفق شدم از وارثان آن مرحوم، آنها را برای این کتابخانه، خریداری نمایم. از این کتاب، نسخه‌های خطی بسیاری در کتابخانه‌های مختلف موجود است. در این کتابخانه بزرگ نیز، سه نسخه بدین ترتیب وجود دارد: ۱. نسخه شماره «۹۰۰۵»، مورخ سده دوازدهم ق، خط نسخ؛ ۲. نسخه شماره «۹۵۶۰»، به خط نسخ احمد تهرانی ملاباشی، در یک‌شنبه ۲۸ جمادی‌الاول سال ۱۲۸۹، که از روی نسخه مورخ ۸۷۹ق که به خط مراد بن موسی بن یوسف بن حسین نوشته شده، کتابت کرده است؛ ۳. نسخه شماره «۱۰۴۸۴»، مورخ ۱۸ جمادی‌الآخر سال ۱۰۸۸، به خط نسخ محمد تقی.

۲. در فرهنگ ایران زمین، تألیف ایرج افشار، نسخه کهنی از این کتاب را معرفی می‌کند که در عصر مؤلف، به سال ۴۳۳ق، به خط شیرداد بن شیر، ذیل «الاسفهبذی الطبری»، کتابت شده و دارای ۱۰۹ نگاره است و در حال حاضر به دو مؤسسه آمریکایی تعلق دارد؛ اما شخص آقای ایرج افشار طی نامه مورخ خردادماه ۷۹، به اینجانب نوشته‌اند که این نسخه جعلی است و صاحبان آن نیز، پی به جعلی بودن آن برده‌اند و آن را از دید عموم پنهان ساخته‌اند. نسخه کهن دیگری، به شماره «۸۱۹۰» که در سده هشتم ق کتابت شده و نیز نسخه‌های دیگر مورخ اواخر سده سیزدهم ق، به شماره «۶۳۱۶»، در این کتابخانه بزرگ موجود است. این کتاب، به سال ۱۳۲۵ق / ۱۹۰۷ م، به وسیله سید ابوالقاسم موسوی شیرازی، در شهر بمبئی هند، چاپ و منتشر گردیده است. همچنین در تهران، به سال ۱۳۴۶ش، از سوی انتشارات فراهانی چاپ شده است و نیز چندین چاپ دیگر - که بالغ بر چهارده نوبت است - در ایران، هند و نیز از سوی انتشارات اوقاف گیب (Gibb memorial)، در لندن، چاپ و منتشر گردیده است. همچنین به وسیله پرفسور «برتلس» - شرق‌شناس مشهور روسی - به زبان روسی؛ و به وسیله «احمد بن الیاس»، به فرمان سلطان مراد دوم - پادشاه عثمانی - به ترکی؛ و نیز از سوی «آکری» - شرق‌شناس فرانسوی و مترجم کتاب شرایع الاسلام محقق حلی - در دو جلد به فرانسه، ترجمه شده و به سال ۱۸۸۲ م، بدین عنوان چاپ و منتشر شده است: Le cabous Name Traduit par a Querry _ paris Ernest Lerour Editeur.

این ترجمه، در کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است. غیر از ترجمه‌های یادشده، این کتاب به عربی و آلمانی نیز ترجمه شده است.

ق، مؤلف کتاب الابنیه عن حقائق الادویه. کهن ترین نسخه خطی آن، که در شوال سال ۴۴۷، به خط علی بن احمد اسدی طوسی شاعر کتابت شده، در کتابخانه ملّی وین، در کشور اتریش، به شماره «A.F. ۳۴۰» موجود است^۱. این نسخه، قدیم ترین نثر فارسی تاریخ دار در جهان به شمار می آید. زلیگمان (Seligmann)، شرق شناس اتریشی، این نسخه را در سال ۱۸۵۹ میلادی، در وین چاپ کرده است.

۱۲. ابوعلی حسن بن خواجه ابوالحسن علی بن اسحاق «خواجه نظام الملک طوسی»، مقتول به سال ۴۸۵ق، وزیر معروف آل ارسلان و ملکشاه سلجوقی و مؤلف سیاست نامه یا سیر الملوک^۲.

۱۳. حجت الاسلام زین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی (م ۵۰۵ق)، از دانشمندان مشهور جهان اسلام که دارای بیش از پانصد اثر^۳ به زبانهای فارسی و عربی بوده و یکی از معروف ترین آثار فارسی او کتاب کیمیای سعادت - یکی از آثار نادر در تصوف میان ایرانیان آن روزگار به بعد - است که از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد، نسخه بسیار کهنی از کیمیای سعادت که در سده هفتم ق کتابت شده، در این کتابخانه، به شماره «۱۱۰۶۶» موجود است.^۴ از دیگر آثار مشهور

۱. فهرست فلزگل، ۵۳۴/۲ - ۵۳۶. مؤلف کتاب، در زمان کتابت نسخه (۴۴۷ق)، در قید حیات بوده است؛ زیرا اسدی در حق او، عبارت «حَرَسَهُ اللَّهُ» نوشته است.

۲. این کتاب، به سال ۱۳۱۰ش، به اهتمام سید عبدالرحیم خلیفائی، از سوی کتابخانه کاوه و کتابخانه معرفت، در چاپخانه خورشید، در تهران، به چاپ رسیده است؛ همچنین در سال ۱۳۲۰ش، با مقدمه مرحوم عباس اقبال، در تهران؛ در سال ۱۳۶۴ش، به کوشش دکتر جعفر شعار، در چاپخانه سپهر در تهران؛ به سال ۱۳۷۳ش، با مقدمه و تعلیقات عطاءالله تدین، از سوی انتشارات تهران، چاپ و منتشر گردیده است؛ و نیز، نخستین چاپ آن، به سال ۱۸۹۱م / ۱۳۱۰ق، به وسیله شرق شناس مشهور فرانسوی «شفر» به چاپ رسیده است. چاپ انتقادی دیگری نیز، به کوشش شرق شناس انگلیسی هیوبرت دارک (Hubert Darke)، از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب، دو نوبت به چاپ رسیده است. این چاپ بر چاپ «شفر» رجحان دارد و مصحح آن ضمن دقت بیشتر، به نسخه صحیح تری دست یازیده است.

نسخه های خطی چندی از کتاب سیاست نامه، در کتابخانه های مختلف موجود می باشد، از جمله یکی از کهن ترین نسخه ها، در کتابخانه مرحوم حاج محمد نخجوانی، در تبریز قرار داشته که اکنون در کتابخانه ملّی تبریز موجود است.
۳. برخی از مورخان، تألیفات غزالی را «دویست» و عده ای دیگر «چهارصد» و تعدادی «هفتصد» و تنی چند «نهصد» عنوان آورده اند. جهت اطلاع بیشتر در مورد آثار علمی غزالی، می توان از کتاب مؤلفات الغزالی، از دکتر عبدالرحمان بدوی، چاپ دوم، کویت، سال ۱۹۷۷م، بهره جست.
۴. چند نسخه کهن نفیس دیگر از کتاب کیمیای سعادت، در این کتابخانه بزرگ

وجود دارد که عبارتند از: ۱- نسخه شماره «۷۴۱۱»، مورخ سال ۷۲۹ق، خط نسخ؛ ۲- نسخه شماره «۳۵۸۸»، مورخ سال ۷۵۱ق، به خط نسخ علی بن احمد بن محمد حسن کوهیار؛ ۳- نسخه شماره «۴۳۱۷»، بی تاریخ و قدیمی، خط نسخ؛ ۴- نسخه شماره «۹۳۳۳»، مورخ سال ۹۰۲ق، به خط نسخ مرتضی بن محمد بن حسین حسینی.

اما دیگر نسخه های این کتاب در جهان:

- ۱- کهن ترین نسخه موجود آن در جهان، نسخه خطی کتابخانه بنکی پور، در هند است که به شماره «۱۳۴۶»، در جلد شانزدهم فهرست آن کتابخانه، معرفی شده است. به گفته فهرست نگار، برگهایی از نسخه، به خط غزالی است؛ ۲- نسخه کهن و بسیار نفیس کتابخانه مؤسسه مطالعات شرقی روسیه، شعبه سن پترزبورگ که دقیقاً در نیمه نخست سده ششم ق، به خط نسخ نزدیک به کوفی ایرانی کتابت شده و به شماره «B۴۶۱۲»، در آن کتابخانه موجود می باشد. اینجانب شخصاً در سفری که در زمستان سال ۱۳۷۸ش، به دعوت دانشکده شرق شناسی دانشگاه دولتی سن پترزبورگ داشتم - نسخه را که بسیار اصیل است - از نزدیک رویت نمودم. سعید نفیسی در فرهنگ ایران زمین، در مورد این نسخه نوشته است: «زمانی که این نسخه را در آن کتابخانه دیدم، تا آن روز کسی آن را نشناخته بود و من پس از بررسی آن را شناسایی نموده و به مسئولان آن کتابخانه تذکر دادم»؛ ۳- نسخه کهن کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، به شماره «۴۶» تصوف، به خط عبداللّه بن ابوالقاسم، مورخ روز یکشنبه ۵ محرم سال ۵۷۶؛ ۴- نسخه کهن کتابخانه سلطنتی، در کابل افغانستان، به شماره «۱۰۲» سلطنتی، به خط نسخ خوش عبدالرحمان بن محمد کاتب، در رمضان سال ۵۹۵. متأسفانه نسخه های این کتابخانه، به علت جنگ چندین ساله در افغانستان، سرفت شده و مشخص نیست، بر سر آنها چه آمده است. در کتابخانه های افغانستان بیشترین نسخه های خطی فارسی کهن قرار داشته است؛ ۵- نسخه کتابخانه ملّی ملک، در تهران، به شماره «۴۲۷۳»، مورخ سال ۶۰۵ق، در خوارزم، نسخه مقابله شده است؛ ۶- نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به شماره «۲۴ حکمت»، مورخ سده هفتم یا هشتم ق، به خط نسخ مظفر بن اسعد بن طاهر، در دوشنبه ۱۸ جمادی الآخر سالهای ۷۲۱ و ۷۸۵، در موصل؛ ۷- نسخه کتابخانه چلبی عبداللّه، در استانبول، به شماره «۱۸۵»، به خط نسخ، مورخ سده هفتم ق، به خط سید نسیب؛ ۸- نسخه دیگر در کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، به شماره «۷۲» تصوف فارسی طلعت، خط نسخ، مورخ ۱۵ رجب سال ۶۰۰؛ ۹- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR. 11923»، به خط نسخ عبداللّه بن محمد بن محمود بن ابوبکر «داور»، مورخ اواخر ذیحجه سال ۶۴۴؛ ۱۰- نسخه دیگر در کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «Add 25026»، به خط علی بن محمد بن عبدالله نساخ شهابی فارسی، مورخ شنبه ۱۰ ذیحجه سال ۶۷۲؛ ۱۱- نسخه کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی، در تهران، به شماره «۳۹۵»، به خط نسخ ابن الآجری، مورخ سال ۶۸۴ق؛ ۱۲- نسخه کتابخانه مجلس، به شماره «۵۸۲»، به خط حسین بن حسین راوی، در سال ۶۸۴ق؛ ۱۳- نسخه دیگر کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، به شماره «۲۷۸» تصوف فارسی طلعت، به خط علی بن محمد، غزه جمادی الآخر سال ۶۸۹؛ ۱۴- نسخه کتابخانه خلیل احمد پاشا سپارته، در ترکیه، به شماره «۱۶۴۱»، مورخ سده هفتم ق؛ ۱۵- نسخه دیگر کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره «۱۳۳۴»، به خط نسخ، در سده هفتم یا هشتم ق؛ ۱۶- نسخه کتابخانه ملّی کپنهاک، در دانمارک، مورخ سال ۷۰۰ق؛ ۱۷- نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس، به شماره



فارسی غزالی، کتاب نصیحة الملوك است که آنرا غزالی برای سلطان محمدبن ملک‌شاه سلجوقی یا سلطان سنجر سلجوقی تألیف نموده

- ۴۰۴۲، مورخ سال ۷۰۳ق، به خط شیخ عبدالله بن احمد بن عبدالله؛
- ۱۸- نسخه کتابخانه خراجچی، در شهر بوسای ترکیه - که اکنون این نسخه، در کتابخانه سلیمانیه استانبول قرار دارد - به شماره ۸۲۲، مورخ ۲۰ صفر سال ۷۲۴ یا ۷۴۰؛ ۱۹- نسخه کتابخانه رضا رامپور، در هندوستان، به شماره ۳۴۳، مورخ سال ۷۰۷ق، به خط محمدبن محمدبن احمد الخیر انصاری؛ ۲۰- نسخه کتابخانه مغنیا، در ترکیه، به شماره ۱۰۶۱، مورخ سال ۷۳۱ق، به خط نسخ محمود بن احمد بن محمد الثستری؛
- ۲۱- نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره ۳۴۹۷، به خط چریک بن طرمتای صاحبی، مورخ سال ۷۳۵ق؛ ۲۲- نسخه کتابخانه عمومی بایزید، در استانبول ترکیه، به شماره ۳۴۶۶، مورخ سال ۷۳۵ق، به خط نسخ؛ ۲۳- نسخه دیگر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۲۷۴۷، به خط نسخ، مورخ سال ۷۴۰ق؛ ۲۴- نسخه کتابخانه سلطنتی کپنهاگ، در دانمارک، به خط نسخ، مورخ سال ۷۵۰ق؛ ۲۵- نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، به شماره ۲۱۴، مورخ سال ۷۶۳ق، به خط نسخ محمدبن امیر علی حسینی؛ ۲۶- نسخه دیگر در کتابخانه عمومی بایزید، در استانبول ترکیه، به شماره ۳۴۶۵، مورخ سال ۷۹۲ق، به خط نسخ محمدبن مستصم بن محمد قزوینی؛ ۲۷- نسخه دیگر کتابخانه دانشگاه استانبول، در ترکیه، به شماره ۴۷۶، مورخ سال ۸۳۷ق، به خط خوش قوام بن محمد بن خضر مازندرانی؛ ۲۸- نسخه کتابخانه نور عثمانیه، در استانبول، به شماره ۳۵۳۸، به خط نسخ زین العابدین بن احمد بن منصور مرشدی، در اواخر سال ۸۷۵ق؛ ۲۹- نسخه دیگر در کتابخانه دارالکتب قاهره، به شماره ۱۲۰ تصوف فارسی طلعت، به خط ابوالمعالی اسحاق بن مسلم بن محمود الفضلی الداعوتی، مورخ سال ۸۹۳ق؛ ۳۰- نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره ۱۲۷۹، مورخ سال ۸۴۶ق، به خط نستعلیق خوش بایزید بن ابراهیم تبریزی؛ ۳۱- نسخه دیگر همانجا، به شماره ۶۷۱، مورخ سال ۸۸۷ق، به خط نسخ محمود حسینی؛ ۳۲- نسخه دیگر کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره ۴۲۷۲، مورخ سال ۸۳۴ق، به خط نستعلیق محمدبن ابوسعید؛ ۳۳- نسخه کتابخانه سلطنتی سابق ایران، در تهران، به شماره ۱۶۷۷، مورخ ۱۲ ذیحجه سال ۸۳۵، به خط نسخ جمال بن محمد بن حسین شریف ابدال؛ ۳۴- نسخه دیگر کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، به شماره ۱۶۷، ج ۸، به خط نستعلیق، در سده نهم یا دهم ق؛
- ۳۵- نسخه کتابخانه مؤسسه شرق شناسی فرهنگستان علوم روسیه، شعبه سن پترزبورگ، به شماره ۹۲۸ - B، مورخ سال ۹۰۰ق؛ ۳۶- نسخه کتابخانه کوپرلی، در استانبول ترکیه، به شماره ۷۶۹، مورخ ۱۰ شوال سال ۹۰۱؛
- ۳۷- نسخه دیگر کتابخانه مغنیا، در ترکیه، به شماره ۱۰۶۰، مورخ سال ۹۰۲ق، به خط نستعلیق خوش محمدبن ابراهیم بن محمود مرشدی؛
- ۳۸- نسخه کتابخانه عمومی اوقاف موصل، در عراق، به شماره ۲۳۶/۶، مورخ سال ۹۰۴ق، به خط معین المسکین؛ ۳۹- نسخه کتابخانه عمومی - دولتی سالتیکوف شچدرین، در سن پترزبورگ روسیه، مورخ سده دهم ق، این نسخه جزو کتابهای موقوفه مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی بوده که با صدها نسخه نفیس دیگر، از اردبیل، توسط مأموران دولت تزار روس سرقت شده و اکنون در کتابخانه فوق قرار دارد؛ ۴۰- نسخه کتابخانه رضا رامپور، در هندوستان، به شماره ۷۳۰، مورخ سال ۹۷۳ق، به خط یوسف بن میر علی بن عثمان کشمیری؛ ۴۱- نسخه کتابخانه گنج بخش، در اسلام آباد پاکستان، به

شماره ۸۳۹، مورخ سال ۹۷۳ق، به خط نسخ خوش؛ ۴۲- نسخه دیگر همانجا، به شماره ۸۱۸، مورخ سال ۹۷۵ق، به خط ثلث؛ ۴۳- نسخه دیگر در همانجا، به شماره ۸۱۹، مورخ سال ۹۷۵ق، به خط ثلث، این نسخه، نیمه دیگر نسخه قبلی است؛ ۴۴- نسخه دیگر کتابخانه مغنیا، در ترکیه، به شماره ۱۶۶۳/۶، مورخ سال ۹۵۸ق، به خط نستعلیق خوش؛

۴۵- نسخه کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، به شماره ۶۵/ج، به خط نستعلیق در سده دهم ق؛ ۴۶- نسخه دیگر کتابخانه ملی تبریز، به شماره ۳۵۳۵، مورخ سال ۹۷۰ق، به خط نسخ سید حسین بن سید نعمت فرکتی؛ ۴۷- نسخه کتابخانه ملی ایران، در تهران، به شماره ۱۸۸۹، مورخ سال ۹۷۰ق، به خط نستعلیق.

به غیر از آنچه نام بردیم، نسخه‌های دیگری در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد که تاریخ کتابت آنها مشخص نیست؛ در ادامه، به نام تعدادی از آنها بدین ترتیب اشاره می‌شود:

- ۴۸- نسخه کتابخانه برلین، به شماره ۲۸۸ - ۲۹۰؛ ۴۹- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره ۱۳: ۵۰؛ نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره ۱- ۳۷؛ ۵۱- نسخه کتابخانه ریاست مطبوعات کابل، در افغانستان، به شماره ۱۳؛ ۵۲- نسخه کتابخانه موزه هرات، در افغانستان؛ ۵۳- نسخه کتابخانه مونیخ، در آلمان؛ ۵۴- نسخه معرفی شده در فهرست بلوشیه، در مجموعه شیفر، مخطوطات فارسی به شماره ۱۳۹۲، کتاب در سده هشتم ق؛ ۵۵- نسخه کتابخانه بولونیا، در ایتالیا، «مجموعه مارسلی» معرفی شده در فهرست ویکتور روزن (Rosen)، چاپ رم، سال ۱۸۸۵م، به شماره ۳۳۱۷؛ ۵۶- نسخه کتابخانه لیدسیانا (Bibliotheca lidesiana)، در شهر اِنبریو، در انگلستان، به شماره ۲۳۱؛ ۵۷- نسخه کتابخانه آیسالا، در سوئد، که در فهرست دوجلدی آن، در ص ۲۲۱، به شماره ۳۷۹ آمده است؛ ۵۸- نسخه کتابخانه آصفیه، در حیدرآباد هند، به شماره ۹۴۱ تصوف فارسی؛ ۵۹ تا ۶۱ - نسخه‌های کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول، به شماره‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵؛ ۶۲ و ۶۳- نسخه‌های کتابخانه فاتح، در استانبول، به شماره‌های ۲۷۹۱ و ۲۷۹۸؛ ۶۴- نسخه کتابخانه اسعدافندی، در استانبول، به شماره ۱۶۵۶؛ ۶۵- نسخه کتابخانه حمیده، در استانبول، به شماره ۶۹۲؛ ۶۶ تا ۶۹- نسخه‌های کتابخانه حکیم اوغلی علی پاشا، در استانبول ترکیه، به شماره‌های ۵۰۱ - ۵۰۴؛ ۷۰ و ۷۱- نسخه‌های کتابخانه اسعد افندی، در استانبول، به شماره‌های ۲۲۴ و ۲۲۵؛ ۷۲- نسخه کتابخانه عاطف افندی، در استانبول، به شماره ۱۳۹۰؛ ۷۳ و ۷۴- نسخه‌های کتابخانه سلیمیه، در شهر ادرنه ترکیه، به شماره‌های ۴۴۱۴ و ۴۱۰۴؛ ۷۵ و ۷۶- نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره‌های ۵۸۱ و ۳۵۵۳؛ ۷۷- نسخه دیگر کتابخانه دارالکتب، در قاهره، به شماره ۶۲ فارسی، نسخه کهن.

از کتاب کیمیای سعادت، چندین ترجمه عربی، در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور موجود است که معرفی آنها، از حوصله این مقال خارج است. چند ترجمه ترکی نیز از آن، در کتابخانه‌ها یافت می‌شود.

این کتاب، تاکنون چندین نوبت در ایران، هند و جاهای دیگر چاپ شده که نخستین چاپ آن، در کلکته هند، پس از آن در لکهنو دونوبت به سالهای ۱۲۷۹ و ۱۲۸۲ق، و نیز در بمبئی هند، به سال ۱۸۸۳م و مجدداً در سالهای ۱۲۸۸ و ۱۲۹۱ق، در لکهنو تجدید چاپ شده است. چاپ تحقیقی آن در دو جلد، به تصحیح مرحوم حسین خدیو جم، از سوی مرکز انتشارات علمی - فرهنگی، در تهران، به چاپ رسیده است. همچنین چاپ دوازدهم آن، به سال ۱۳۶۱ش، به تصحیح مرحوم احمد آرام، از سوی انتشارات کتابخانه مرکزی، در تهران، انجام گرفته است.

تصویری، با مقدمه مرحوم استاد مجتبی مینوی، در سال ۱۳۴۵ش، در تهران، چاپ شده است؛ ۳- نسخه کتابخانه بورسه چلبی، در ترکیه، به شماره «۳۶»، مورخ ۲۲ شعبان سال ۵۷۴ یا ۵۷۷، به خط ابی جعفر محمد بن مودوبن محمد کاتب؛ ۴- نسخه کتابخانه عمومی مغنسیا، در ترکیه، به شماره «۱۶۸»، مورخ ۳۰ ذیقعدة ۶۱۲، به خط احمد بن عثمان بن علی بن عثمان بن محمد بلخی عقبلی حاجی عمادی خوئی؛ ۵- نسخه کتابخانه بودلیان، در شهر آکسفورد انگلستان، به شماره «۳۴» فارسی، مورخ ماه صفر سال ۶۸۴، به گفته دکتر مهدی بیانی، این همان نسخه‌ای است که در کتابخانه مرحوم تربیت، در تبریز بوده و سپس توسط سوداگران، به خارج از کشور رفته و اکنون در کتابخانه بودلیان قرار دارد؛ ۶- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم دکتر صادق کیا، مورخ سال ۷۰۱ق؛ ۷- نسخه کتابخانه خالد ابو ایوب، در ترکیه، به شماره «۱۴»، مورخ رمضان سال ۷۰۴؛ ۸ تا ۱۳- نسخه‌های کتابخانه موزه مولانا، در شهر قونیه ترکیه، به شماره‌های «۱۰۰-۱۰۵»، در ۶ مجلد، نخستین جلد مورخ ۲۲ صفر سال ۷۲۳ و آخرین جلد مورخ ۲۱ صفر سال ۷۲۵؛ ۱۴- نسخه دیگر کتابخانه دیوان هند، وابسته به کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «الف ۳۸۳۸»، مورخ ۸ ذیقعدة سال ۷۳۰؛ ۱۵- جلد دیگر این نسخه، مورخ سده هشتم ق؛ ۱۶- نسخه کتابخانه لیدن، در هلند، به شماره «۱۶۵۸»، مورخ سال ۷۶۹ق؛ ۱۷- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «بلوشه ۳۰»، مورخ ۱۰ ربیع‌الاول سال ۷۸۰؛ ۱۸- نسخه دیگر کتابخانه لیدن، در هلند، به شماره «۱۶۵۷»، کتاب احتمالاً در سده ششم ق؛ ۱۹- نسخه کتابخانه پیر هدائی، در استانبول ترکیه، به شماره «۶۴»، احتمالاً مورخ سده هفتم ق؛ ۲۰- نسخه کتابخانه برلین، در آلمان، به شماره «۹۳۸»، کتاب احتمالاً در اوایل سده هشتم ق؛ ۲۱- نسخه کتابخانه سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، به شماره «۲۰۵»، مورخ سده هفتم یا هشتم ق. این نسخه، همچون صدها نسخه خطی دیگر، در کتابخانه موقوفة مقبره شیخ صفی‌الدین، در اردبیل بوده، که در زمان جنگ ایران و روس، غارت شده و سرانجام به این کتابخانه انتقال یافته است؛ ۲۲- نسخه کتابخانه فردوسی، در شهر دوشنبه، در تاجیکستان، به شماره «۲۳۹»، کتاب سال ۸۳۶ق؛ ۲۳- نسخه کتابخانه حسین چلبی، در شهر بوسای ترکیه، به شماره «۳۵»، مورخ سده نهم ق؛ ۲۴- نسخه کتابخانه دارالکتب مصر، در قاهره، به شماره «۱۰»، مورخ سال ۸۶۶ق، به خط احمد بن محمد بن علی حافظ، در قزوین؛ ۲۵- نسخه موزه ایران باستان، در تهران، به شماره «۳۵۰۰»، بی تاریخ؛ ۲۶- نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۵۸۹»، بی تاریخ؛ ۲۷- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۳۵۹۲»، بی تاریخ؛ ۲۸- نسخه دیگر کتابخانه عمومی - دولتی سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، مورخ سده نهم ق. این نسخه نیز، از جمله نسخه‌های موقوفة مقبره شیخ صفی‌الدین، در اردبیل بوده است.

یادآور می‌شود، بیشتر این نسخه‌ها را از فهرست «استوری» و فهرست میکروفیلم‌های موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، انتخاب نموده‌ام. یک نسخه بسیار نفیس دیگر که گویا گزیده‌ای یا اقتباسی از تفسیر سوره‌آبادی است، در ۴ مجلد، در مزار تربت جام قرار داشته، در سال ۱۳۱۶ش، به دستور وزیر فرهنگ وقت - علی اصغر حکمت - به تهران منتقل شده و اکنون در موزه ایران باستان قرار دارد. مرحوم دکتر مهدی بیانی، در مجله پیام نو، سال اول، شماره ۷، سال ۱۳۳۴ش، صفحه ۴۴، چنین آورده است: «این نسخه مشتمل است بر یک دوره کامل متن عربی قرآن و ترجمه و تفسیر فارسی آن که در ۴ مجلد بزرگ، به قطع ۳۸ × ۲۹ سانتیمتر تجلید شده است. مجموع اوراق آن در حدود هزار برگ، جلد آنها چرمی قهوه‌ای ←

است.^۱ اینجانب زندگی‌نامه مختصر این دانشمند ایرانی را در کتابی به نام: شرح احوال و افکار و آثار ابو حامد غزالی، نگاشته‌ام، که در سال ۱۳۴۱ شمسی، در قم، به چاپ رسیده است.

۱۴. امام مجدالدین ابوالفتوح احمد بن محمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی، برادر کهنتر حجت‌الاسلام غزالی، از اکابر عرفای اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم ق، مؤلف آثاری چون: السوانح فی معنی العشق که آن را برای عین‌القضات همدانی نگاشته است، و آثار فارسی از جمله: بحر الحقیقه، رساله الطیور، رساله العینیه، وصیت و پندنامه، مقاله روح^۲ و غیر آنهاست.

۱۵. ابوبکر عتیق بن محمد هروری سوره‌آبادی «سوریانی» (م ۴۹۴ق)، معاصر آلپ ارسلان و ملکشاه سلجوقی و از مفسران سده پنجم قمری و صاحب تفسیر - معروف فارسی - سوره‌آبادی که پیرامون سالهای ۴۷۰ تا ۴۸۰ق، نگاشته شده است. نسخه بسیار کهن و نفیسی از آن که در نیمه نخست سده ششم ق کتابت شده، در این کتابخانه بزرگ، به شماره «۱۰۹۸۴»، موجود است.^۳

۱. نسخه‌های نفیس و کهنی از کتاب نصیحة الملوك، در کتابخانه‌های مختلف جهان وجود دارد که از آن جمله است: ۱- نسخه کتابخانه فاتح، در استانبول ترکیه، کتاب اواخر ربیع‌الثانی سال ۷۰۹ که احتمالاً کهن‌ترین نسخه موجود آن به شمار می‌آید؛ ۲- نسخه کتابخانه نور عثمانیه، در استانبول ترکیه، مورخ ربیع‌الاول سال ۸۵۳، به خط بایزید بن صادق صوفی کرمانی؛ ۳- نسخه کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول ترکیه، مورخ آخر ماه صفر سال ۸۶۲؛ ۴- نسخه کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، مورخ سده هشتم یا نهم ق؛ ۵- نسخه کتابخانه شهر «اسکوپیه»، در کشور یوگسلاوی، مورخ سده دهم ق.

از کتاب نصیحة الملوك، دو ترجمه عربی وجود دارد: ۱- التبر المسبوك فی نصیحة الملوك که چاپ شده است؛ ۲- ترجمه عربی ناشناخته که نسخه‌ای از آن مورخ ۹۷۹ق، در کتابخانه ایاصوفیه استانبول، موجود است.

کتاب نصیحة الملوك بر اساس نسخه‌های یادشده، به تصحیح و مقدمه عالمانه مرحوم استاد جلال‌الدین همائی، در سال ۱۳۵۱ش، از سوی انتشارات انجمن آثار ملی، در تهران، به چاپ رسیده است.

۲. مجموعه آثار فارسی امام احمد غزالی، در یک مجلد، شامل شش رساله، با نثر شیوای فارسی، به اهتمام احمد مجاهد، در سال ۱۳۵۸ش، از سوی انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است.

۳. با توجه به دیگر نسخه‌های کهن موجود که در فهرستهای گوناگون آمده است، این نسخه قدیم‌ترین و یا یکی از کهن‌ترین نسخه‌های موجود آن در جهان است. متأسفانه کمی رطوبت دیده و در واحد مرمت کتابخانه، ترمیم شده است. آیات آن با خطوط کوفی درشت و به خط نسخ است. این نسخه بسیار کهن را، اینجانب دو سال قبل، با تعدادی نسخه کهن دیگر، برای این کتابخانه بزرگ خریداری نموده‌ام. برخی از نسخه‌های آن که در کتابخانه‌های جهان موجود است، از این قرارند: ۱- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR11311»، مورخ ۱۵ رمضان سال ۵۳۵؛ ۲- نسخه کتابخانه دیوان هند، وابسته به کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، مورخ ربیع‌الاول سال ۵۲۳، به خط نسخ قدیم گرگین بن کرسگار ترکی. از روی این نسخه، به صورت

۱۶. ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی (م بین ۵۵۹ تا ۵۸۳ق)، ادیب و دبیر نامور عصر غزنویان و صاحب کتاب معروف فارسی ترجمه و تهذیب کلیل و دمنه. این اثر را وی در سال ۵۴۵ق ترجمه نموده است، نسخه نفیس و کهنی که در محرم سال ۷۲۲ق کتابت شده، به شماره «۱۱۸۸۸»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.^۱

۱۷. حجت‌الحق، فرید خراسان، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن شمس‌الدین ابوالقاسم زید بن شیخ‌الاسلام جمال القضاة والخطباء، ابی سلمان امیرک محمد بن حاکم امام مفتی ابی علی حسین بیهقی^۲ «ابن فندق» (۵۶۵-۴۹۹ق)، متولد در بیهق سبزوار و از بزرگان علما و فضلاء ایرانی و صاحب آثار بسیار از جمله: جوامع احکام النجوم^۳ به فارسی، در ۳ مجلد؛ و کتاب قصص الانبیاء و کتاب لباب الانساب والالقباب والاعقاب^۴،

→ رنگ لولدار مستعمل، کاغذ بخارایی ضخیم، خط متن ثلث و ترجمه و تفسیر به خط نسخ قدیم، هر صفحه در بعضی مجلدات دارای شش و در بعضی دیگر هفت سطر درشت در متن است و ترجمه فارسی آن، در زیر سطور درشت، به خط ریز و در آخر هر سوره، به همان خط ترجمه، تفسیر شده است و این صفحه‌ها هر یک ۲۵ سطر دارد... تألیف این کتاب، در روز دوشنبه ۸ ربیع‌الآخر سال ۵۸۴، به انجام رسیده است و آن را به سلطان ابوالفتح محمد بن سام «سلطان غوره» اهدا نموده است. کتابت نسخه، در سده ششم ق، به خط محمد بن علی بن محمد بن علی نیشابوری لیبی است.

همچنین گزیده دیگری از تفسیر سورآبادی، با عنوان، اشارات التفسیر فی بشارات التذکیر المستخرج من تفسیر العتیق، به فارسی، از مؤلفی ناشناخته، مورخ سالهای ۶۶۴ تا ۶۹۴ق، در کتابخانه دارالکتب موجود می‌باشد که شامل تفسیر سوره مریم تا پایان قرآن کریم است.

بخشی از تفسیر سورآبادی، در سال ۱۳۴۷ش، با عنوان قصص قرآن مجید، برگرفته از تفسیر سورآبادی، از روی نسخه کهن مورخ ۵۲۳ق، موجود در کتابخانه دیوان هند، در لندن، به صورت تصویری و به کوشش مرحوم استاد مجتبی مینوی، به سال ۱۳۴۵ش، در قطع رحلی چاپ و منتشر شده است. همچنین از روی نسخه کامل کهن دیگری، به صورت تصویری، در سال ۱۳۵۳ش، از سوی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، با مقدمه دکتر پرویز ناتل خانلری، در تهران، به چاپ رسیده است. این نسخه، نسبتاً کامل می‌باشد؛ و نیز کتابی با عنوان بررسی املائی دستنویسی از تفسیر سورآبادی که خانم کبری شیروانی آن را تنظیم نموده است، از سوی فرهنگستان زبان ایران، قبل از پیروزی انقلاب، در تهران، چاپ و منتشر شده است.

۱. نسخه‌های کهن و نفیس دیگری در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور وجود دارد؛ با توجه به اهمیت آنها، به تعدادی از این نسخه‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- نسخه کتابخانه جارالله افندی، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۷۲۷»، مورخ سال ۵۵۱ق. این نسخه، کهن‌ترین نسخه موجود تاریخ‌دار این کتاب در جهان می‌باشد؛ ۲- نسخه کتابخانه وزارت معارف ترکیه، در آنکارا، به شماره «۱۱۱»، مورخ سال ۵۹۴ق؛ ۳- نسخه کتابخانه عمومی بورسه، از کتابهای حسین چلبی، به شماره «۷۶۳»، مورخ سال ۶۹۷ق؛ ۴- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «۳۷۵» فارسی، کتابت در

سده ششم یا هفتم ق؛ ۵- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۳۷۶» فارسی، مورخ سال ۶۷۸ق؛ ۶- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۳۸۳» فارسی، مورخ سال ۶۶۴ق؛ ۷- نسخه کتابخانه بودلیان، در شهر آکسفورد انگلستان، به شماره «۱۰۰» FRASER، کتابت در سده هفتم ق؛ ۸- نسخه دیگر همانجا، به شماره «MS.PERS.F.12»، مورخ سال ۷۳۰ق؛ ۹- نسخه کتابخانه گوتا، در آلمان، به شماره «HAL ۱۲۳»، مورخ سال ۷۳۶ق؛ ۱۰- نسخه کتابخانه نافذباشا، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۰۱۰»، مورخ سده هفتم یا هشتم ق؛ ۱۱- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، در تهران، به شماره «۱۸۸۰»، مورخ سده هشتم ق.

متن عربی و نیز همین ترجمه فارسی، بارها در ایران، مصر، هند و جاهای دیگر چاپ و منتشر شده است. یکی از صحیح‌ترین نسخه‌های چاپ شده موجود، همان چاپ انتشارات دانشگاه تهران است که به تصحیح و مقدمه بسیار سودمند مرحوم استاد مجتبی مینوی، بر اساس نسخه‌های خطی کهن یاد شده، در سال ۱۳۴۳ش، در قطع رحلی، چاپ شده است. ۲. دنباله تبار وی چنین است: ابن‌الامام قاضی ابی سلیمان «امام فندق» ابن‌امام ایوب بن امام حسن بن عبدالرحمان قاضی ابوالحسن احمد بن عبدالله بن عمرو بن حسن بن عثمان بن ایوب بن خزیمه بن محمد بن عماره بن خزیمه بن ثابت....

۳. این کتاب بعد از تألیف معارج الحکمة و تئمة صوان الحکمة، به نگارش درآمده و شامل ۱۰ فصل است. در مقدمه آن چنین آمده: «جوامع احکام النجوم نسایم چه آنرا از سخنان پیشینیان و پسینیان فراهم آوردم و هرچه در آنها بود، در اینجا گرد کردم و بیشتر از نگارشهای زرادشت، ماشاءالله، ابو معشر، احمد عبدالجلیل، ابن‌الخصیب، غلام زحل، تنوفیل رومی، حنه هندی گرفته‌ام... بیهقی این اثر را در اختربینی نگاهشته؛ اما مجتبی‌های ستاره‌شناسی را به خلاصه‌الزیجات و امثلة الاعمال النجومیه خویش بازگشت می‌دهد. متأسفانه نسخه‌های کهنی که در سده‌های هفتم تا نهم ق نوشته شده باشد، وجود ندارد و در کتابخانه‌های داخل و خارج نیز کمتر وجود دارد. نسخه‌های موجود این کتابخانه بزرگ از سده‌های دهم ق به بعد کتابت شده است. مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، در مقدمه معارج نهج‌الإلافة نوشته است: «از این جوامع یک نسخه، در کتابخانه سپهسالار سابق، به شماره «۶۴۰»، موجود است، و نیز پنج نسخه دیگر در جاهای مختلف وجود دارد که قدیم‌ترین آن، مورخ ۹۴۹ق است که در سبزوار کتابت شده است، و نیز نسخه‌ای در بنگال هند، به شماره «۱۴۹۳» موجود است و همچنین چهار نسخه دیگر در این کتابخانه بزرگ، بدین ترتیب موجود می‌باشد: ۱- نسخه شماره «۷۳۸۵»، به خط نستعلیق، مورخ سده سیزدهم ق؛ ۲- نسخه شماره «۶۲۱۷»، مورخ دوشنبه ۸ رمضان سال ۱۲۴۴؛ ۳- نسخه شماره «۶۴۳۶»، به خط نستعلیق، در سه شنبه ۹ ذی‌قعدة سال ۱۲۴۸.

۴. این کتاب را وی، در جمادی‌الآخر سال ۵۵۸، به خواهش جمال‌الاسلام عمادالدین ابوسلیمان یا ابوالحسن علی بن محمد بن یحیی حسنی علوی نسابه، نگاهشته و به کتابخانه او هدیه کرده است. خوشبختانه این اثر مهم - که در علم تبارشناسی است - با مقدمه بسیار مفصل و سودمند پدر بزرگوارم مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی(ره) به نام: «کشف الارباب فی ترجمه صاحب لباب الانساب»، در سال ۱۴۱۰ق، در دو جلد، با تحقیق حجت‌الاسلام سید مهدی رجانی، از سوی انتشارات کتابخانه بزرگ معظّمه، برای نخستین بار و بر اساس نسخه‌های خطی موجود در این کتابخانه و دیگر کتابخانه‌ها، چاپ و منتشر شده است.

۳. این کتاب، به کوشش محمد کردعلی، در سال ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م، به نام: تاریخ حکماء الاسلام، و نیز به عنوان: تمة صوان الحکمة، به کوشش محمد شفیع لاهوری، به سال ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۵ م، در لاهور پاکستان چاپ و منتشر شده است.

۴. نسخه‌های دیگری از این کتاب، در کتابخانه‌های مختلف موجود است که برخی از آنها چنین است: ۱- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۱۳۵۴/۲»، مورخ سده هفتم یا اوایل سده هشتم ق. این نسخه، منبع اصلی تحقیق و چاپ کتاب، بوده است؛ ۲- نسخه دیگر در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۲۱۶۰/۴»، مورخ سده نهم ق؛ ۳- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «Add27261»، مورخ جمادی الاول تا جمادی الآخر سال ۸۱۳ و ۸۱۴ این نسخه نفیس هنری، دارای ۲۱ نگاره است. کاتبان آن، محمد حلوانی کاتب و محمد کاتب بوده‌اند و آنرا برای جلال‌الدین اسکندرین عمر شیخ -والی فارس و از نوادگان تیمور- نوشته‌اند؛ ۴- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره «۳۲۳۸/۲»، مورخ سال ۸۹۲ ق؛ ۵- نسخه کتابخانه مجلس سنای سابق، به شماره «۱۷۱۹۵»، مورخ غزه شعبان سال ۹۲۹. در ضمن، یک نسخه کهن و نفیس، با عنوان: منتخبات تحفة الغرائب، به شماره «۲۲۱۳/۲۸»، در کتابخانه مرکز شرق شناسی اوبریخان بیرونی، در شهر تاشکند ازبکستان، وجود دارد که ضمن مجموعه‌ای که کاتب رساله‌های آن، در سالهای ۷۴۵ تا ۷۹۱ ق است. این نسخه، در هامش این مجموعه کتبت شده است. به جز نسخه‌های معرفی شده فوق، نسخه‌های دیگری در کتابخانه‌ها وجود دارد که کتبت آن، در سده‌های یازدهم ق به بعد است.

کتاب تحفة الغرائب، برای نخستین بار، به سال ۱۳۷۱ ش، همان‌گونه که در سطرهای پیشین ذکر شد، بر اساس نسخه شماره «۱۳۵۴/۲» کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به تصحیح جلال متینی، در تهران، چاپ و منتشر شده است. ۵. نسخه کهن و نفیسی از این کتاب که در سال ۷۸۹ ق، به خط نسخ خوش، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۶. نسخه‌های این کتابخانه: به شماره «۷۱۷۳»، مورخ سال ۶۷۸ ق، به خط نسخ حسین بن زکریای حاج حسین دهستانی که آنرا برای یکی از امرای وقت کتبت نموده است؛ ۲- نسخه دیگر این کتابخانه که در سده هفتم ق کتبت شده، به شماره «۶۸۱۲»، ۳- نسخه شماره «۷۸۱۰»، این کتابخانه، مورخ سده هفتم ق، به خط نسخ.

قدیم‌ترین نسخه این کتاب، به شماره «۳۶۱۴»، مورخ دوشنبه ۴ محرم الحرام سال ۴۷۱ است که در کتابخانه نور عثمانیه استانبول، موجود و به خط نسخ عمر بن ابوبکرین عطا ملک کیدانی است؛ نسخه کهن دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود که بخشی از آن، در سالهای ۵۷۲ و ۵۷۷ ق و بخشی دیگر، در سده هفتم ق کتبت شده است؛ نسخه دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره «۶۲۲۷»، مورخ سال ۵۸۱ ق؛ نسخه دیگر در کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی، در تهران، مورخ سده ششم یا هفتم ق؛ نسخه کتابخانه شخصی منوچهر بزرگمهر، مورخ ۲ رجب سال ۴۸۰. در تاریخ این نسخه دست‌کاری شده است؛ نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۱۳۹۴»، مورخ رجب سال ۵۴۶، -به ظاهر این تاریخ ساختگی و کتبت آن، در سده هفتم یا هشتم ق است - به خط نسخ ابو محمد بن محمد بن یمنان کاتب؛ نسخه دیگری در کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی، مورخ رمضان سال ۵۵۹، به خط نسخ عبدالرحمان بن ابی‌بکرین ابوالقاسم؛ نسخه کتابخانه رضا رامپور در

به عربی؛ و کتاب تاریخ بیهق، به فارسی^۱؛ و کتاب معارج نهج البلاغة^۲، به عربی؛ و تمة صوان الحکمة^۳؛ و معارج الحکمة و بسیاری دیگر.

۱۸. محمد بن ایوب حاسب طبری، از ستاره‌شناسان و ریاضی‌دانان سده چهارم و پنجم ق، مؤلف کتاب تحفة الغرائب فی النیرنج والعجایب - یکی از نثرهای کهن فارسی - است. کهن‌ترین نسخه موجود این کتاب که در نیمه نخست سده هفتم ق کتبت شده، به شماره «۱۲۳۸۰»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.^۴

۱۹. سید زین‌الدین ابو ابراهیم اسماعیل بن حسن بن محمد حسینی جرجانی (م ۵۳۰ یا ۵۳۵ ق)، پزشک نامدار ایرانی و مؤلف آثار ارزنده‌ای در طب، از جمله: الاغراض الطبیة والمباحث العلالیة^۵، به فارسی؛ - معروف‌ترین اثر مهم و ارزنده او - کتاب ذخیره خوارزمشاهی، به فارسی است. چندین نسخه نفیس از این کتاب که در سده هفتم ق کتبت شده، در این کتابخانه، موجود است.^۶ یکی از آنها، نسخه‌ای است به خط نسخ مُعرب محمد بن

۱. یک نسخه نفیس از تاریخ بیهق، مورخ سال ۸۳۵ ق، در کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن؛ و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه عمومی برلین، در آلمان، مورخ سال ۱۲۶۵ ق، و نسخه‌ای در لکهنو هند؛ و نسخه دیگر در کتابخانه مرکز شرق شناسی بیرونی، در تاشکند ازبکستان، مورخ سال ۱۰۵۷ ق، نگهداری می‌شود. شرق شناس مشهور روسی «بارتولد»، در مورد این نسخه، در دائرة المعارف اسلامی، به زبان روسی، ذیل «بیهق» و نیز در کتاب ترکستان خود نام آورده است.

تاریخ بیهق، تاکنون چند نوبت به چاپ رسیده است، از جمله: ۱- چاپ نخست، به تصحیح و تعلیقات مرحوم استاد احمد بهمنیار، از سوی بنگاه دانش، در چاپخانه کانون، در تهران، به سال ۱۳۱۷ ش؛ ۲- چاپ دوم با همان تعلیقات و با مقدمه مرحوم علامه محمد قزوینی، به وسیله انتشارات فروغی، در چاپخانه اسلامی تهران، به سال ۱۳۴۸ ق / ۱۳۰۸ ش؛ ۳- چاپ مجدد انتشارات فروغی، در چاپخانه افست مروی، تهران، سال ۱۳۶۱ ش، با همان تصحیح و تعلیقات و مقدمه؛ ۴- چاپ دائرة المعارف العثمانیه حیدرآباد هند، به سال ۱۹۶۸ م، به کوشش دکتر قاری سید کلیم‌الله حسینی - استاد دانشگاه عثمانیه - و با مقدمه مفصل وی به زبان انگلیسی؛ چاپ و منتشر شده است.

۲. شرحی است بر کتاب نهج البلاغة شریف رضی به عربی؛ این کتاب یکی از قدیم‌ترین شروحنی است که بر نهج البلاغة نگاشته شده است، وی آنرا در ۱۳ جمادی‌الاول سال ۵۵۱، به خواهش جمال‌المحققین ابوالقاسم علی بن حسن حوقنی نیشابوری به پایان برده و آنرا به کتابخانه جلال‌الاسلام ملک النقباء عمادالدین ابو سلیمان علی بن محمد بن یحیی حسینی علوی - همو که لباب الانساب را برایش ساخته - ارمغان نموده است. خوشبختانه این اثر مهم نیز، بر اساس یک نسخه مورخ یکشنبه ۱۴ صفر سال ۷۰۵ که به شماره «۲۰۵۲»، در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس، موجود است، با تصحیح و مقدمه مرحوم استاد محمد تقی دانش‌پژوه، به سال ۱۴۰۹ ق، در یک مجلد، از سوی کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، در قم، چاپ شده است.

ابراهیم بن محمد بن حسن ملک بن علی بن محمد بن ابراهیم بن حمزه بن عبیدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام که در ماه جمادی الاول سال ۶۸۶ کتابت شده است.

۲۰. نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل بن ابوالحسین بن ابوالفضل قزوینی (۵۰۴-۵۸۵ هـ.ق)، از بزرگان و عاظم و علمای مذهبی شیعه و صاحب کتاب معروف *النقض*^۱.

۲۱. شرف‌الدین ابوالفضل حُیث بن ابراهیم متطبب تفسیسی (م ۶۲۹ هـ.ق)، صاحب آثاری چون: *وجوه قرآن*؛ *بیان الطب*؛ *القوافی* و *قانون الادب*، به فارسی.

۲۲. ابوالحسن نظام‌الدین یا نجم‌الدین احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی، از شعرا و نویسندگان سده ششم ق، مؤلف کتاب *مجمع النوادر* معروف به: *چهارمقاله*. نسخه خطی نفیسی از آن در کتابخانه عاشرافندی، در استانبول، به شماره «۲۸۵»، مورخ سال ۸۳۵ هـ.ق که در هرات نوشته شده، موجود است.^۲

۲۳. رشیدالدین ابو حامد محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری «رشیدالدین و طواط» (م ۵۷۳ هـ.ق)، از معاصران و آشنایان قطان مروزی، و مؤلف کتاب *حداق السحر و دقاق الشعر*^۳، به فارسی

→ هندوستان، به شماره «۴۲۱ م»، مورخ سال ۵۶۵ هـ.ق، به خط ابو محمد بن محمد بن سلیمان بن یوسف هروی؛ نسخه کتابخانه وهبی افندی، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۳۵۹»، مورخ جمعه ۱۵ شوال سال ۶۰۳ هـ.ق؛ مجلد دیگر این نسخه، با همان مشخصات، به شماره «۱۳۶۰»، کتابت در ماه رجب سال ۶۰۳ هـ.ق؛ نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR ۶۳۹۰/۱»، کتابت در ربیع الآخر سال ۶۱۲ هـ.ق؛ نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۶۱۹»، مورخ سال ۶۲۶ هـ.ق؛ نسخه دیگر همانجا، به شماره «۳۶۱۱»، مورخ سال ۶۲۶ هـ.ق که احتمالاً نیمه دیگر نسخه قبلی باشد؛ نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۲۴۹۳»، مورخ ۱۴ ربیع الاول سال ۶۳۰ هـ.ق که با اصل نسخه مقابله شده و به خط مؤلف، در شهر افرآ، در روم است. نسخه دیگری نیز در همانجا، به شماره «۱۸۹۳»، به خط نسخ ابو علی حسن بن ابراهیم سلماسی، در سال ۶۳۱ هـ.ق که عنوانها کوفی است و این نسخه را کاتب، برای خزانه نوشیروان بن مسعود بن محمد بن بهرامشاه کتابت نموده است؛ نسخه کتابخانه مجلس سنای سابق، به شماره «۲۳۲۷»، به خط نسخ یوسف بن محمد بن فضل الله حسینیہ جاجرمی، در روز پنجشنبه ۲۲ ذی‌قعدة سال ۶۶۸ هـ.ق؛ نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی، به شماره «۵۵ پزشکی»، به خط نسخ یونس بن ابی بکر، در سال ۶۶۹ هـ.ق؛ نسخه کتابخانه سلیمیه، در شهر ادرنه ترکیه، به شماره «۴۳۵»، به خط نسخ، مورخ سال ۶۶۹ هـ.ق؛ نسخه کتابخانه فاتح، در استانبول ترکیه، به شماره «۳۵۵۱»، به خط نسخ احمد بن عبیدالله بن علی، در نیمه رمضان سال ۶۷۰ هـ.ق؛ نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «۵۸۴۱» OR، مورخ سال ۶۷۱ هـ.ق؛ نسخه کتابخانه محمد شفیع، در لاهور پاکستان، مورخ سال ۶۷۱ هـ.ق، به خط محمد بن احمد سمنانی؛ نسخه کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۴۴۹۳»، مورخ سال ۶۷۳ هـ.ق، به خط نسخ محمد بن

محمد بن محمد قاضی؛ نسخه کتابخانه ملی، در تهران، به شماره «۱۸۹۰/ف»، مورخ سال ۶۷۶ هـ.ق؛ نسخه کتابخانه مدرسه سهسالار سابق، به شماره «۷۹۱»، به خط نسخ علی بن اسماعیل بن ابراهیم بن احمد گرگانی، مورخ دوشنبه ۲۰ رجب سال ۶۹۱ هـ.ق؛ نسخه دیگری در کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR ۵۳۱۷»، مورخ سال ۶۹۵ هـ.ق.

نسخه‌های نفیس دیگری در کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور وجود دارد که کتابت آنها در سده‌های هشتم و نهم ق است، از جمله نسخه‌های کتابخانه مجلس، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی تبریز، کتابخانه ملی ملک، کتابخانه مغنیا در ترکیه، کتابخانه سلیمیه در شهر ادرنه ترکیه، کتابخانه دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، کتابخانه فاتح در استانبول، کتابخانه دانشسرای عالی تهران، کتابخانه مسجد اعظم قم، کتابخانه موزه عراق در بغداد، کتابخانه انستیتو آثار خطی تاجیکستان در شهر دوشنبه، نسخه کهن کتابخانه ولی‌الدین افندی در استانبول ترکیه، کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی اوریحان بیرونی در شهر تاشکند ازبکستان.

در ضمن، این کتاب، از سوی تنی چند از پزشکان، بعد از عصر مؤلف تلخیص شده و با گزیده‌ای از این کتاب و چند کتاب دیگر پزشکی است. یک نسخه بسیار نفیس و کهن از منتخب آن که در سال ۶۲۶ هـ.ق کتابت شده و شامل نیمی از کتاب است و مؤلف آن ناشناخته می‌باشد؛ و نیز نسخه‌ای دیگر که نسبتاً کهن و نفیس و گزیده‌ای از ذخیره خوارزمشاهی و دیگر کتابهای پزشکی است و در سده نهم ق کتابت شده، در این کتابخانه بزرگ موجود است.

بخشهایی از کتاب ذخیره، تاکنون چاپ و منتشر شده است، از جمله:

- ۱- چاپ دانشگاه تهران، جلد اول و دوم سال ۱۳۴۴ ش، به کوشش مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار؛ ۲- چاپ انجمن آثار ملی در تهران، سال ۱۳۴۴ ش، به تصحیح دکتر محمدحسین اعتمادی، دکتر محمد شهراد و دکتر جلال مصطفوی، در چاپخانه بهمن تهران؛ ۳- چاپ کامل کتاب، به صورت تصویری، در سال ۱۳۵۵ ش، به تصحیح سعیدی سیرجانی، از سوی انتشارات فرهنگ ایران. این نسخه، از روی نسخه کامل و کهن مورخ ۱۵ ربیع الآخر سال ۶۰۳ هـ.ق موجود در کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، چاپ شده است.

۱. کتاب *النقض*، معروف به، *بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، تاکنون دو نوبت به چاپ رسیده است؛ نخستین بار سال ۱۳۷۱ ق/۱۳۳۱ ش، در تهران، با مقدمه و تعلیقات مرحوم استاد سید جلال‌الدین محدث ارموی؛ و دومین بار نیز، با همان تحقیقات، در سال ۱۳۵۸ ش، از سوی انجمن آثار ملی، در تهران، چاپ و منتشر شده است.

۲. نسخه‌های کهن و قدیمی از این کتاب کمتر در کتابخانه‌ها یافت می‌شود، مرحوم علامه قزوینی، در سال ۱۳۴۵ ق، این اثر را در شهر برلین آلمان، بر اساس نسخه چاپی سال ۱۳۰۵ ق تهران و دو نسخه خطی دیگر در کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، مورخ سال ۱۰۱۷ و ۱۲۷۴ ق، تصحیح و چاپ کرده است.

۳. کتاب *حداق السحر*، تاکنون چند نوبت چاپ شده که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- چاپ سنگی سال ۱۳۰۲ ق، در قطع رحلی که به ضمیمه کتاب پریشان قآنی به چاپ رسیده است؛
 - ۲- چاپ کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، در تهران، با مقدمه مرحوم استاد عباس اقبال؛
- در ضمن این کتاب به عربی، از سوی ابراهیم امین شورابی، ترجمه شده و به سال ۱۳۶۴ ق/۱۹۴۵ م، در قاهره، چاپ و منتشر شده است.

و کتابهای دیگر. دو نسخه کهن از این کتاب، موجود است: ۱- نسخه مورخ جمعه ۲۰ محرم سال ۶۸۶، ضمن مجموعه شماره «۱۶۱۳»؛ ۲- نسخه مورخ ربیع الآخر سال ۶۹۲، به خط نسخ سید شمس الدین بخاری، ضمن مجموعه «۱۳۹۲». هر دو نسخه، در کتابخانه کوپرلی، در استانبول، نگهداری می‌شود؛ نسخه‌ای دیگر ضمن مجموعه شماره «۷۳۰۸/۵»، مورخ سال ۸۸۹ق، در این کتابخانه بزرگ موجود است.

۲۴. ابوالفتوح رازی جمال‌الدین حسین بن علی بن ابوسعید محمد بن ابوبکر احمد بن حسین بن احمد بن ابراهیم بن فضل خُزاعی نیشابوری رازی (م بعد ۵۸۵ق)، از عالمان و مفسران بزرگ شیعه و صاحب تفسیر معروف فارسی روض الجنان و روح الجنان؛ نسخه بسیار کهن و نفیسی که در سال ۵۹۵ق کتابت شده، به شماره «۳۶۸»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.^۱

۲۵. صفی‌الدین یوسف بن عبدالله بن یوسف لؤلؤئی اندخودی،^۲ از مفسران سده ششم ق و مؤلف تفسیر عرفانی فارسی ینابیع العلوم.^۳ کهن ترین نسخه موجود این تفسیر که در ۱۰ محرم سال ۶۶۱ کتابت و از آغاز تا انجام آن تصحیح و مقابله شده، در این کتابخانه بزرگ، به شماره «۲۹۶» نگهداری می‌شود.

۲۶. شمس‌الدین محمد بن قیس رازی، از دانشمندان نیمه نخست سده هفتم ق، مؤلف کتابهای الکافی فی العروضین والقوافی و المعرب فی اشعار العرب و المعجم فی معاییر اشعار المعجم^۴، به فارسی. نسخه‌های کهن و نفیسی از این اثر، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد؛^۵ کهن ترین آنها نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی است که در نیمه دوم سده هفتم ق نوشته شده است.

۲۷. شمس‌الدین محمد بن مسعود بخاری غزنوی (م ۵۸۲ق)، مؤلف کتابهای: آثار علوی، در طبیعیات و کائنات جو^۶؛ کفایة التعلیم

۱. نسخه‌های کهن و نفیس دیگری از این کتاب، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد، از جمله: ۱- نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، به شماره «۱۳۶» تفسیر، کتابت در سال ۵۵۶ق، به خط حیدر بن محمد بن اسماعیل بن سلیمان بن ابراهیم اردلانی نیشابوری؛ ۲- نسخه دیگر همانجا، کتابت سال ۵۵۷ق، به خط ابوزید بن بندار بن محمد براوستانی؛ ۳- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم محدث آرموی، کتابت ماه صفر سال ۵۷۹ق؛ ۴- نسخه دیگر همانجا، مورخ سال ۵۷۹ق که احتمالاً جلد دیگر نسخه قبلی باشد؛ ۵- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۱۰۵۰»، کتابت ماه صفر سال ۵۹۵ق؛ ۶- نسخه دیگر همانجا، به شماره «۲۰۴۴»، مورخ سده ششم یا هفتم ق؛ ۷- نسخه دیگر همانجا، مورخ سده هشتم یا نهم ق؛ ۸- نسخه دیگر کتابخانه بزرگ آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، کتابت سده هشتم ق؛ ۹- نسخه کتابخانه پته، در هند، به شماره «۴۹۰۲»، کتابت سال ۷۳۴ق، به خط تاج‌الدین عمر خوافی؛ ۱۰ و ۱۱- دو نسخه در کتابخانه بانکی پور، در هند، به شماره

«۱۱۳۷» و «۱۱۳۹»، کتابت سال ۷۳۴ق؛ ۱۲- نسخه کتابخانه شخصی دکتر اصغر مهدوی، در تهران، کتابت سال ۷۷۱ق، به خط عبدالسلام بن محمد بن علی؛ ۱۳- نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۵۸۵»، کتابت سال ۸۸۸ و ۸۹۰ق، به خط محمد بن رضی‌الدین محمد حافظ رضوی؛ ۱۴- نسخه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، به شماره «۲۷۹۹۳/ف»، کتابت سده هشتم یا نهم ق؛ ۱۵- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، به شماره «OR- ۱۱۸۶»، کتابت سده دهم ق. نسخه‌های بسیار دیگری، در کتابخانه‌های داخل و خارج موجود است که در سده‌های نهم و دهم ق به بعد کتابت شده است. این تفسیر مهم شیعی، برای نخستین بار، در سال ۱۳۲۳ ش به بعد، در ۵ مجلد، چاپ و منتشر شده و نیز از روی همین چاپ، به صورت افست، در سال ۱۴۰۹ق، از سوی انتشارات این کتابخانه بزرگ چاپ و منتشر شده است. سومین چاپ آن نیز، در ۱۲ جلد، از سوی انتشارات اسلامی، در تهران، به تصحیح مرحوم آیت‌الله استاد ابوالحسن شعرانی و تصحیح استاد علی اکبر غفاری، به سال ۱۳۵۶ش، چاپ شده و تازه‌ترین چاپ آن، در ۲۰ مجلد، از سوی انتشارات آستان قدس رضوی، به تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح چاپ شده که جلد نخست آن، در سال ۱۳۷۱ش، منتشر شده است.

۲. «اندخود» محلی قدیمی که در جنوب خراسان قرار داشته است.

۳. نام این تفسیر، در بیشتر فهرستهای نسخه‌های خطی کتابخانه‌های داخل و خارج نیامده است؛ تنها یک نسخه، در کتابخانه نذیر احمد و علی احمد صاحبان، در پاکستان، وجود دارد که کتابت آن در سده یازدهم یا دوازدهم ق است.

۴. کتاب المعجم فی معاییر اشعار المعجم، به تصحیح مرحوم علامه محمد قزوینی و مقابله مرحوم استاد مدرس رضوی، از سوی انتشارات دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۵ش، چاپ و منتشر شده است.

۵. از جمله: ۱- نسخه کتابخانه شخصی ذکاءالملک فروغی، مورخ جمادی الاول سال ۷۷۵ که مشخص نیست، پس از درگذشت وی به کجا رفته است؛ ۲- نسخه کتابخانه شخصی میرزا عبدالرحمان، مدرس آستان قدس رضوی، در مشهد مقدس که پس از درگذشت وی، به فرزندش میرزا اسدالله مدرس زاده رحمانی رسیده و در حال حاضر مشخص نیست، کجاست؛ ۳- نسخه کتابخانه شخصی حاج شیخ فضلعلی مجتهد تبریزی که پس از رحلت ایشان، به فرزندش آقای مولوی رسیده است. این نسخه، یکی از نفیس ترین نسخه‌های موجود این کتاب به شمار می‌رود؛ زیرا نسخه، در کتابخانه شخصی استاد ادب و شاعر نامدار سده نهم ق، مولانا عبدالرحمان جامی قرار داشته و چند سطر خط وی، در حاشیه‌ای از برگهای آن مشهود است؛ ۴- نسخه کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول ترکیه، به شماره «۴۲۷۲»، مورخ سال ۸۸۱ق. این کتاب، بر اساس نسخه‌های یادشده، به وسیله مرحوم علامه محمد قزوینی و با مقابله مرحوم استاد مدرس رضوی، تصحیح و از سوی انتشارات دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۵ش، چاپ و منتشر شده است. همچنین چاپ دیگری، به کوشش شرق شناس مشهور انگلیسی «ادوارد براون» و علامه محمد قزوینی، در بیروت، به سال ۱۳۲۷ق، چاپ و منتشر شده است.

۶. این کتاب، به تصحیح مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه، برای نخستین بار، در تهران، به چاپ رسیده است. نسخه کهن دیگری از آن که در سده هشتم ق کتابت شده است، ضمن مجموعه شماره «۱۶۲۴»، در کتابخانه کوپرلی، در استانبول ترکیه، موجود است. همچنین نسخه‌های دیگری در کتابخانه‌ها وجود دارد که برخی از آنها از این قرار است: ۱- نسخه کتابخانه

في صناعة التنجيم؛ جهان دانش و غیر آنها. نسخه کهن و بسیار نفیسی از آثار علوی که در سده هفتم ق کتابت شده، به شماره «۱۰۵۸۶»، به خط نسخ محمود بن بختیار اتابکی، در این کتابخانه بزرگ وجود دارد.

۲۸. الرسالة النظامية في العلوم الحسابية، در علم حساب، از مؤلفی مجهول، نسخه کهن و نفیسی از این اثر که در سده هفتم ق کتابت شده، به شماره «۱۱۴۱۷»، در این کتابخانه بزرگ وجود دارد.^۱

۲۹. محمد بن ابوالبرکات جوهری نیشابوری (م اواخر سده ششم یا اوایل سده هفتم ق)، مؤلف کتاب جواهرنامه، در طبیعیات، به فارسی که آن را در سال ۵۹۲ ق، برای نظام‌الدین ابوالفتح مسعود ابهری - وزیر سلطان تکش خوارزمشاه - تألیف کرده است. کهن ترین نسخه موجود این کتاب که در نیمه دوم سده ششم ق، در عصر مؤلف کتابت شده، به شماره «۱۱۸۵۲»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.

۳۰. ابوالمفاخر بن ابوالعلاء اصفهانی، از دانشمندان اوایل سده هفتم ق، مؤلف کتاب اختیارات کارها و حوائج ایام، که دانشنامه‌ای است، در غالب مسایل جهان، در عصر مؤلف. تنها نسخه موجود کهن آن، در قطع بیاضی که در نیمه دوم سده هفتم ق کتابت شده، به شماره «۱۱۰۸۰»، در این کتابخانه بزرگ موجود است.^۲

۳۱. نجم‌الدین ابوبکر بن محمد بن شاهاورین انوشروان رازی، از دانشمندان نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم ق، مؤلف کتاب مشهور مرصادالعباد، در عرفان، از نثرهای جاویدان و یکی از نفایس متون فارسی است. نسخه‌های نفیس و کهنی از این اثر، در کتابخانه‌های جهان وجود دارد که یکی از کهن ترین آنها، نسخه کتابخانه شهر بوسای ترکیه، به شماره «۶۶۴» که در ۲۲ رمضان سال ۶۸۴، ۶۴ سال پس از تألیف کتاب و سی سال بعد از درگذشت مؤلف، نوشته شده است. همچنین نسخه کهن دیگری، به شماره «۳۴۵۴»، مورخ ۵ رجب سال ۷۹۳ و نسخه دیگر، به شماره «۹۵۰۲»، مورخ ۱۳ ذیحجه سال ۹۷۶ و نسخه دیگر، به شماره «۷۸۵۶»، مورخ سده دهم ق، در این کتابخانه بزرگ موجود است.^۳

→ شخصی مرحوم فخرالدین نصیری امینی که پس از درگذشت وی، به دخترش رسیده و مورخ جمادی الاول سال ۱۷۵۳ است. این نسخه، منبع اصلی تصحیح مرحوم دانش‌پژوه، در چاپ کتاب بوده است؛ ۲- نسخه دیگر همانجا، مورخ سال ۱۰۰۵ ق؛ ۳- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر نهندی، مورخ سال ۱۱۳۳ ق؛ ۴- نسخه کتابخانه دارالکتب المصریه، در قاهره، به شماره «۲۰۰۱»؛ ۵- نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول، در ترکیه، به شماره «۱۲۹۹»، مورخ سال ۱۱۷۱ ق، به خط عبداللّه بن اسماعیل؛ ۶- نسخه کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، به شماره «۷۴۲۶»، بی تاریخ؛ ۷- نسخه کتابخانه عمومی - دولتی سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، به شماره «۴۳-۱»، مورخ سال ۱۲۱۰ ق.

یادآور می‌شود، چند نسخه به نام آثار علوی در کتابخانه‌ها وجود دارد که غیر از آثار علوی مورد نظر است، از جمله: آثار علوی، در کائنات جو، از میرزا محمد حسن شیروانی (م ۱۰۹۸ ق) که به نام شاه عباس صفوی، تألیف نموده است. نسخه‌های خطی آن، در کتابخانه علوم یزد، به شماره «۱۱۳/۱۰»، مورخ ۱۰۹۲ ق؛ و در کتابخانه مرحوم آیت‌الله سید حسن صدر، در کاظمین، به خط محمد مؤمن بن ابوالمفاخر بن ملک علی تونی، مورخ ۲۳ ربیع‌الآخر سال ۱۱۴۸؛ همچنین نسخه‌ای دیگر با عنوان آثار علوی، در کائنات جو، از محمدباقر بن اسماعیل خاتون آبادی، در کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، به شماره «۱۸۴۴»، موجود است و نیز نسخه‌ای دیگر با نام آثار علوی، تألیف ابو حاتم اسفزاری، در کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، در تهران، به شماره «۱۵۲/۱»، مورخ سال ۱۱۷۴ ق؛ و نسخه‌ای دیگر از آن، در کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق، در تهران، به شماره «۲۹۱۱»، وجود دارد. چند نسخه دیگر به نام آثار علوی، مؤلف ناشناخته - دو نسخه، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و دو نسخه، در کتابخانه مدرسه سپهسالار سابق - نیز، موجود است.

۱. این کتاب، بسیار کمیاب و نسخه‌های آن نادر است؛ غیر از نسخه کهن موجود که در متن معرفی شد، نسخه‌ای دیگر، به شماره «۵۹۹۱»، مورخ ۲۸ ذیحجه سال ۱۰۶۷، به خط نستعلیق محمد صالح بن پیرداد، در این کتابخانه بزرگ موجود است که در حاشیه تصحیح شده و نشان مقابله دارد. همچنین یک نسخه دیگر، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که نسخه کهنی نبوده و تاکنون فهرست نشده است. غیر از این نسخه‌ها، نسخه دیگری در فهرستهای نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها، معرفی نشده است.

۲. این نسخه نفیس و منحصر را، به ضمیمه دو نسخه کهن و نفیس دیگر، سه سال قبل، برای این کتابخانه بزرگ خریداری نمودم. نسخه دیگری از این کتاب را در هیچ یک از فهراس موجود نیافتم؛ بنابراین، به احتمال قوی این نسخه، منحصر بفرده است.

۳. نسخه‌های نفیس دیگری از این کتاب، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد که برخی از آنها بدین قرارند: ۱- نسخه کتابخانه موزه مولانا، در شهر قونیّه ترکیه، به شماره «۱۷۱۴/۱»، مورخ سده هشتم ق؛ ۲- نسخه کتابخانه رئیس الکتاب، در ترکیه، به شماره «۵۰۹»، نوشته سده هفتم یا هشتم ق؛ ۳- نسخه کتابخانه ملی وین، در اتریش، مورخ جمعه اوایل ربیع‌الاول سال ۶۸۵؛ ۴- نسخه کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، نوشته سده هفتم ق، بدون آغاز و انجام. این نسخه بیشتر در کتابخانه شخصی مخبرالسلطنه هدایت، در تهران، قرار داشت است. مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه، در صفحه ۱۹۱ فهرست نسخه‌های خطی آن دانشکده، وصف این نسخه را آورده است؛ ۵- نسخه کتابخانه فاتح، در استانبول ترکیه، به شماره «۲۸۴۱»، مورخ سال ۷۵۰ ق، به خط ابن محمد بن مقرب؛ ۶- نسخه کتابخانه اباصوفیه، در استانبول ترکیه، به شماره «۲۰۶۷»، مورخ دوشنبه ۲۳ جمادی‌الاول سال ۷۵۲، به خط همو؛ ۷- نسخه دیگر، در کتابخانه موزه مولانا، در شهر قونیّه ترکیه، به شماره «۱۷۱۵-۱»، نوشته نیمه نخست سده هشتم ق؛ ۸- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ سال ۶۹۷ ق که به ظاهر، تاریخ آن ساختگی است و بسیار مغفوط است؛ ۹- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، مورخ سال ۷۴۴ ق. نسخه‌های دیگری نیز، در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد که نام بردن از همه آنها در این گزارش، میسر نیست. کتاب مرصادالعباد، چندین نوبت به چاپ رسیده است. یکی از صحیح‌ترین چاپ‌های آن، با مقدمه و تصحیح دکتر محمد امین ریاحی، از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در سال ۱۳۵۲ش، منتشر شده است.

۳۲. اسحاق بن ابراهیم بن ابی الرشید بن غاذم طائی سجاسی^۱، از دانشمندان نیمه نخست سده هفتم ق^۲، مؤلف کتاب فرائد السلوک فی فضائل الملوک، در اخلاق و فضائل آداب شاهان و ملوک که در ده باب تنظیم شده است. کهن ترین و نفیس ترین نسخه آن، به شماره «۵۷۳۴»، مورخ شب سه شنبه ۶ ماه رجب سال ۶۴۱، به خط نسخ ابوشمس غزال بن عمر بن غزال قصبی تفلیسی، در این کتابخانه بزرگ موجود است. این نسخه را کاتب برای خزانه یکی از حاکمان نوشته است.^۳

۳۳. علی بن محمد بن طاهر بن علی بن محمد بن سعید ادیب کرمینی، از بزرگان ادب در نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم ق، مؤلف کتاب تکملة الاصناف، در لغت عربی به فارسی؛ و یکی از قدیم ترین فرهنگنامه های عربی به فارسی است. کهن ترین نسخه خطی موجود آن که در همان اواخر سده ششم ق، به خط نسخ نوشته شده، در کتابخانه گنج بخش، در پاکستان، به شماره «۰۴۰» موجود است.^۴

۳۴. مرزبان بن رستم بن شروین، از شاهزادگان طبرستان و مؤلف مرزبان نامه^۵ در اواخر سده چهارم ق که اصلاح آن، به وسیله کاتب و دبیر شیوا، سعدالدین و راوینی^۶، در اوایل سده هفتم ق، انجام گرفته است.

۱. در جلد ۱۵ فهرست نسخه های خطی این کتابخانه بزرگ، «سجاسی» آمده که نادرست و صحیح آن «سجاسی» است.

۲. سعید نفیسی، در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، می نویسد: «اسحاق بن ابراهیم بن ابوالرشید، از نویسندگانی است که از احوالش اطلاعی نیست و همین قدر پیدا است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ق می زیسته و مؤلف کتابی است، در حکایات، به فارسی فصیح و روان، به نام: فرائد السلوک فی فضائل الملوک که در سال ۶۱۰ ق، تألیف کرده است.»

۳. نسخه های کهن دیگری از این کتاب، در کتابخانه های مختلف موجود است که تعدادی از آنها بدین قرارند: ۱- نسخه کتابخانه ایاصوفیه، در استانبول ترکیه، به شماره «۱۹۹۵»، مورخ دوشنبه ۱۵ ذیقعدة سال ۶۸۶. واقف آن، سلطان محمود خان، به گواهی احمد شیخ زاده، مفتش اوقاف حرمین؛ ۲- نسخه کتابخانه ملی ملک، در تهران، به شماره «۴۰۱۴»، مورخ سده هشتم ق. این نسخه را کاتب، برای خزانه ملک الوزراء... الدین عمادالاسلام ابن عزالدین سیف بن صاحب السعید نظام، نوشته است؛ ۳- نسخه کتابخانه ملی پاریس، به شماره «S.P. ۹۱»، مورخ پنجشنبه اول ربیع الثانی سال ۹۳۶؛ ۴- نسخه کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی، به شماره «۷۷۹۵۲»، مورخ سال ۸۳۱ ق؛ ۵- نسخه دیگر کتابخانه ملی ملک، به شماره «۳۳۶۴»، مورخ سال ۹۹۳ ق؛ ۶- نسخه کتابخانه ملی تبریز، به شماره «۳۲۹۹»، بی تاریخ. در ضمن دو نسخه با عنوان: فرائد السلوک فی مصادد الملوک، به شماره های «۹۸۵۰» و «۹۸۵۵»، در کتابخانه عمومی بغداد، در عراق، موجود است که به عربی نوشته شده و تألیف جمال الدین محمد بن محمد بن محمد بن نباته است، که

این دو نسخه، ارتباطی با کتاب فرائد السلوک فارسی ندارد. نسخه نفیس و کهن این کتابخانه بزرگ را، اینجانب چند سال قبل با چند نسخه نفیس دیگر، به وسیله مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، برای این کتابخانه، خریداری نمودم. بحمدالله برای نخستین بار، این اثر ارزنده فارسی، بر اساس این نسخه، که کهن ترین آن است و چند نسخه دیگر که یاد کردم، به وسیله دکتر نورانی وصال و دکتر غلامرضا افراسیابی، در سال ۱۳۶۸ ش، از سوی انتشارات پازنگ، در تهران، چاپ و منتشر شده است.

۴. این نسخه به صورت تصویری، از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، در شهر اسلام آباد، در سال ۱۳۶۳ ش / ۱۴۰۵ ق، چاپ و منتشر شده است.

۵. اصلاح این کتاب، از سعدالدین و راوینی، در بین سالهای ۶۰۷-۶۲۲ ق، انجام گرفته است. نسخه های خطی آن، در کتابخانه های مختلف وجود دارد که از جمله است: ۱- نسخه کتابخانه سالتیکوف شچدرین، در شهر سن پترزبورگ روسیه، مورخ سال ۷۴۰ ق، به خط نسخ احمد بن احمد مسلمی قزوینی، به شماره «۲۷۴». این نسخه نیز، از نسخه های موقوفة مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی است؛ ۲- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، در لندن، مورخ سال ۷۶۲ ق، در شیراز، به شماره «OR. ۶۴۷۶»؛ ۳- نسخه دیگر همانجا، مورخ سده دهم ق؛ ۴- نسخه دیگری در همانجا، مورخ ۱۲۷۷ ق؛ ۵- نسخه کتابخانه ملی پاریس، مورخ سال ۱۰۷۵ ق، به شماره «۱۳۷۱»؛ ۶- نسخه دیگر همانجا، مورخ سال ۸۳۳ ق؛ ۷- نسخه کتابخانه شخصی مرحوم حاج سید نصرالله تقوی که پس از درگذشت وی، به کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، منتقل شده است. مرزبان نامه، تاکنون به ترکی و عربی نیز، ترجمه شده است. یک نسخه ترجمه عربی، در کتابخانه ملی پاریس موجود است که گمان می رود از شهاب الدین احمد بن محمد بن عربشاه (م ۸۵۴ ق)، مؤلف کتاب فاکهة الخلفاء و مذاکة الظرفاء باشد. این نسخه، در سال ۱۲۷۸ ق، با چاپ سنگی، به تصحیح سید محمد بن عبدالله بن عبدالواحد میرحسینی حنفی خلوتی رشیدی، به سرمایه وی و سید عبدالهادی نجالیاری، در قاهره مصر، چاپ شده است و دارای تصاویر می باشد.

کتاب مرزبان نامه، تاکنون چند نوبت به چاپ رسیده که برخی از آنها بدین قرارند:

- ۱- چاپ سال ۱۳۱۷ ش، در تهران، به تصحیح و تحشیه علامه محمد قزوینی، در چاپخانه رنگین که بر اساس نسخه کتابخانه موزه بریتانیا، مورخ ۷۶۲ ق، تصحیح شده است.
- ۲- چاپ سال ۱۳۵۸ ق، به تصحیح مرحوم علامه قزوینی، در تهران، به وسیله انتشارات فروغی.
- ۳- چاپ سال ۱۳۲۷ ق / ۱۹۰۹ م، در شهر لیدن هلند، از انتشارات مؤسسه بریل، به تصحیح مرحوم علامه قزوینی.
- ۴- چاپ سال ۱۳۳۷ ش، در تهران، به تصحیح مرحوم علامه قزوینی و مرحوم حاج سید نصرالله تقوی، به وسیله انتشارات بارانی.
- ۵- چاپ افسس سال ۱۳۵۲ ش، از روی نسخه چاپ بریل هلند که به ضمیمه رساله الترجمان عن کتاب المرزبان، به فارسی، تألیف مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد علی دزفولی، از سوی انتشارات صدر، در تهران چاپ شده است.
- ۶- چاپ سال ۱۳۴۵ ش، به تصحیح و تحشیه مرحوم فروغی، در تهران، در قطع جیبی، از انتشارات فراهانی (ترجمه عربی مرزبان نامه).
- ۷- «روای» بدون نون، به گفته یاقوت، در معجم البلدان، محلی در کوههای آذربایجان، مابین اردبیل و تبریز است.

۳۵. عین الزمان حسن بن علی بن محمد بن ابراهیم بن احمد ابوعلی قطان مروزی^۱ (۴۶۵-۵۴۸ ق / ۱۰۷۳-۱۱۵۳ م)، حکیم، پزشک، مهندس، ستاره‌شناس، ادیب لغوی و مؤلف کتاب گیهان شناخت که موضوع همین گزارش است.

زیست‌نامه قطان مروزی

در کلیه منابع و مآخذی که شرح حال قطان مروزی را آورده‌اند، به همین شکل، که یاد شد، نام و نسب وی بیان شده است؛ جز ذهبی که نام جد وی را «حسن» نوشته و او را چنین معرفی کرده است: «ابوعلی حسن بن علی بن حسن بن محمد بخاری مروزی قطان طیب»^۲.

رشیدالدین وطواط و ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی «ابن فندق»، از معاصران قطان مروزی که هر دو در ۵۶۵ قمری یعنی هفده سال پس از مرگ قطان، در گذشته‌اند، نخستین کسانی بوده‌اند که در آثارشان از او نام برده و یا وی را معرفی کرده‌اند و سپس یاقوت حموی (م ۶۲۷ ق)، و ذهبی (م ۷۴۸ ق) و صفدی (م ۷۶۴ ق)، که به پیروی از ابن فندق بیهقی، شرح حال مختصری از او ارائه نموده‌اند که به این شرح است:

نیاکان وی از مردم بخارا بوده‌اند و به همین دلیل ذهبی او را بخاری خوانده است؛ اما خود او در مرو، و در ۴۶۵ قمری، دیده به جهان گشوده است و در همان جا نیز، پرورش یافته و گویا از مرو بیرون نرفته، و پیوسته در همانجا زیسته است.

از استادان وی نیز، اطلاع دقیقی نداریم؛ جز اینکه ابن فندق بیهقی نوشته است که او از شاگردان ابوالعباس لوکری بوده^۳ و ذهبی چنین آورده که وی کتاب فضائل القرآن را از ابوالقاسم عبدالله بن علی طریثی^۴ و نیز از ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن علی قرشی^۵، آموخته است.

او به گفته یاقوت، در آغاز عمر خویش به تحصیل فقه و حدیث پرداخت؛ اما پس از چندی این علوم را رها ساخت و به فرا گرفتن رشته‌های دیگر، روی آورد و با این حال باز در دوران کهن سالی، به سماع حدیث اشتغال ورزید و به رغبت داشتن به علوم شرعی تظاهر می‌کرد و عقیده باطنی او را جز خدا کسی دیگر ندانست.^۶

صفدی این موضوع را چنین نوشته است که وی، در کهن سالی به استماع حدیث و اشتغال به آن پرداخت و فرا گرفته‌های حدیثی خود را نزد محدثان و آشنایان به حدیث که غریب بودند و پنهانی وارد مرو می‌شدند، تصحیح می‌نمود و این تظاهری بود به رغبت وی به علوم شرعی.^۷ بیش از این از استادان و دانش‌اندوزی وی

اطلاعی نداریم؛ اما همگان به فضل او و دانش گسترده‌اش به علومی همچون: پزشکی، نجوم، لغت، ادب و فلسفه اعتراف نموده‌اند و او را شیخی فاضل، بزرگ و محترم دانسته‌اند که به علوم اوایل (فلسفه و حکمت) علاقه و تمایل شدیدی داشت و مذهب فکری آنان را تأیید می‌نمود و چون آگاهی و چیرگی خاصی در پزشکی داشت، به «طیب» شهرت یافت.^۸

ابن فندق بیهقی، در صفحات آغازین کتاب لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، در فصلی که به ذکر تبارشناسی که درباره این علم در شهرها کتاب نوشته‌اند، از قطان مروزی نام برده و او را جزو ثقات به شمار آورده است و در جای دیگر از این کتاب، آنگاه که از میر سید شمس‌الدین شرف الاسلام ابوالحسن علی بن سید تقی بن مطهر بن حسن حسنی نام می‌برد، نوشته است که مدیون کتابهای شمس‌الدین و خود او در علم نسب است؛ زیرا پس از فته‌ای که منجر به غارت و از میان رفتن کتابهای علم انساب در نیشابور شد، منبعی نیافته که از آنها جهت تألیف کتاب خود بهره گیرد، جز کتابهای شمس‌الدین که از دستبرد نجات یافته بودند. سپس می‌افزاید که شمس‌الدین با امام حسن بن محمد بن علی بن ابراهیم قطان طیب، مصنف کتاب الدوحه (در علم نسب آل ابی‌طالب) در مرو آمد و شد داشته و گویا از وی استفاده می‌کرده است.^۹

از شاگردان وی نیز، آگاهی نداریم و چنانچه فرض کنیم شمس‌الدین حسنی، یکی از شاگردان او بوده، دومین کسی را که برخی از منابع به عنوان شاگرد او نام برده‌اند، عبدالرحیم بن سمعانی بوده است.^{۱۰}

قطان مروزی، در مرو دکانی داشت که در آنجا به طبابت و مداوای بیماران، می‌پراخت؛ ولی به علت سوء خلق، مردم را می‌آزرد و کسانی را که از او در مورد مداوای خویش پرسش می‌نمودند؛ دشنام می‌داد و بیشتر معالجات و درمانهای وی به

۱. لغت نامه، دهخدا، ذیل «حسن قطان»، ص ۶۰۱.

۲. تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۵۴۱-۵۵۰ ق)، ص ۳۰۱.

۳. تئمة صوان الحکمة (تاریخ حکماء الاسلام)، ص ۱۵۶.

۴. تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا.

۵. الوافی بالوفیات، ۱۴۰/۱۲.

۶. بغیة الوعاة سیوطی، ۵۱۳/۱، به نقل از یاقوت حموی.

۷. الوافی بالوفیات، ۱۴۰/۱۲.

۸. تئمة صوان الحکمة، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ لباب الانساب، ۱/۱۸۵، ۳۳۲؛ تاریخ

الاسلام (ذهبی) همانجا؛ الوافی بالوفیات، همانجا؛ بغیة الوعاة، ۵۱۳/۱.

۹. لباب الانساب، ۳۳۲/۱.

۱۰. تاریخ الاسلام ذهبی، همانجا.

بلاد اسلام وقف نموده، تا مسلمانان از آنها استفاده برند و کسی که چنین عقیده و عملی دارد، چگونه به خود اجازه می‌دهد که کتابخانه امامی از شیوخ علم را که تمامی عمر خویش را انفاق کرده تا اوراق و کتابهای اندکی را فراهم آورد که اگر آنها را در بازار به فروش رسانند، با پول آن نمی‌توان غذای اندکی را فراهم ساخت، چپاول کند و یا دستور چنین کاری را بدهد؟!^۵

قطان در پاسخ و طواط نامه‌ای می‌نویسد و از پاسخی که و طواط به او داده، می‌توان به خوبی دریافت که قطان این بار هم قانع نشده و در آن نامه دیگر بار و طواط را به غارت کتابهای خود متهم ساخته و به ناسزاگویی وی پرداخته است. و طواط در این نامه، ضمن اینکه به قطان حق داده است که از این حادثه ناراحت و خشمگین باشد، زیرا وی مسلوب و مغلوب بوده و این واقعه، آثار ناگواری بر او گذاشته و قلبش را جریحه‌دار نموده و این بسیار طبیعی است که طالب خون، به دامن هر سواره و پیاده‌ای بیابویزد و مال‌باخته، هر ایستاده و نشسته‌ای را متهم سازد؛ اما سرور من زیان دیده‌اند و من سوگند یاد می‌کنم که در این وقایع و حوادث کوچک‌ترین نقشی نداشته‌ام. سپس می‌افزاید که بنابه درخواست و اشاره آن امام کریم، روزی به منزل وی رفته تا کتابهایش را به اردوگاه حمل کند؛ اما چون وارد منزل شده، در پیش روی خود کتابخانه‌ای بزرگ و کتابهای انبوه دیده که از حد و اندازه تصور بیرون بوده است و حمل آنها به اردوگاه کاری بس مشکل! از این رو آنها را به حال خود رها کرده و با دست خالی آنجا را ترک نموده است. بعد در پایان نامه سوگندهای غلیظ و شدیدی یاد کرده که اگر او خود کتابها و اموال قطان را غصب کرده باشد و یا راضی به این امر بوده و یا خبر داشته که چه کسانی به این کار دست زده‌اند، از خداوند ببری و زنش بر او حرام باشد.^۶

قطان در پاسخ این نامه، بار دیگر نامه‌ای به و طواط می‌نویسد که گرچه از مضمون آن نامه اطلاعی نداریم؛ اما از پاسخ و طواط می‌توان حدس زد که این بار نیز، قانع نشده است و به تکرار اتهامها و ناسزاهای پرداخته است. و طواط در آغاز نامه سوم از اینکه قطان به او پاسخ داده، اظهار شادمانی نموده و نوشته است که وقتی نامه به من رسید،

شکل کاستن از غذای بیماران بود و چه بسا اتفاق می‌افتاد که بیماران را تا مدتی، از صرف غذاهای دارویی و حتی از خوردن غذا منع می‌نمود.^۱

یکی از حوادث مشهور زندگانی او، غارت رفتن کتابها و نامه‌نگاریهایش با رشیدالدین و طواط می‌باشد که تفصیل آن به این شرح است:

در سال ۵۳۶ قمری، هنگامی که سلطان سنجر، در جنگ قطوان از قراختانیان شکست خورد و کار مملکت او نابسامان شد، اتسز خوارزمشاه، فرصت را غنیمت شمرد و بر خراسان تاخت و در آن میان سپاهیان وی به مرو حمله کردند و به قتل و غارت پرداختند. در آن حادثه تأسف‌بار، گروهی از اوباش شهر با سپاهیان خوارزم، همدست شدند و به غارت و چپاول اموال مردم و قتل بی‌گناهان پرداختند. حسن قطان نظر به سابقه آشنایی و دوستی با رشیدالدین و طواط که در اردوی خوارزمشاه بود، به او متوسل شد تا کتابخانه‌اش را از دستبرد و غارت نجات دهد و آن را به اردوگاه حمل نماید و به این وسیله از نابودی نسخه‌های نفیس کتابخانه‌اش جلوگیری نماید؛ اما رشیدالدین و طواط، موفق به این کار نمی‌شود و کتابخانه قطان به یغما می‌رود و او به تصور اینکه و طواط در غارت و به یغما رفتن کتابخانه‌اش دست داشته، و طواط را متهم ساخت که غارت کتابهایش به اشاره او بوده و از سر سوز و ناراحتی، در محافل و مجالس، زبان به بدگویی رشید می‌گشاید و نام و طواط را به زشتی می‌برد و میان آنان در این مورد مراسلات و مکاتباتی صورت می‌پذیرد^۲ که متأسفانه نامه‌های قطان به رشید، اکنون موجود نیست؛ ولی از نامه‌هایی که و طواط به قطان نوشته، اکنون چهار نامه باقی مانده است که در مجموعه رسائل عربی و طواط، به چاپ رسیده^۳ و یکی از آن نامه‌ها را عظاملک جوینی، در تاریخ خویش آورده است.^۴

از نامه‌ها و پاسخهای رشیدالدین و طواط که به قطان نوشته، می‌توان دریافت که تا چه اندازه، نامه‌های قطان، به رشیدالدین، نیش‌دار، تند و سرشار از دشنام و پرخاش بوده است. رشیدالدین برای رفع بهتان و دفع تهمت که از سوی قطان، متوجه او شده، به حسن قطان نامه‌ای محترمانه می‌نویسد و اشاره می‌کند، از کسانی که به خوارزم آمده‌اند، شنیده است که سرور من در محافل و مجالس، به بدگویی و دشنام من می‌پردازد، سپس می‌افزاید که این روش شایسته شخصیتی چون شما نیست و از انصاف به دور است و بعد سوگند یاد می‌کند که در آن حادثه هیچ نقشی نداشته است و در پایان نامه می‌افزاید که خداوند از راه حلال به او نزدیک به هزار جلد کتاب نفیس ارزانی داشته است و او تمامی آنها را به کتابخانه‌های

۱. الوافی بالوفیات، همانجا؛ مجله شرق، دوره اول (۱۳۱۰ ش)، ۵۳۲/۹، به قلم عباس اقبال.

۲. تاریخ جهانگشای جوینی، ۵/۲-۶.

۳. مجموعه رسائل و طواط، ص ۱۸-۲۷.

۴. تاریخ جهانگشا، ۶/۲-۷.

۵. مجموعه رسائل و طواط، ص ۱۸.

۶. مجموعه رسائل و طواط، ص ۱۹-۲۱.

به استقبال آن نامه از جای برخاستم و با احترام نامه را گرفتم و بسیار خرسند شدم و بزرگان، اشراف، اعیان و علمای خوارزم را به منزل خویش دعوت کردم و نامه را بر آنان عرضه کردم و حتی در منزل منبری تهیه و خطیبی را فراخواندم، تا آن نامه را برای همگان با صدایی رسا و بلیغ قرائت کند و چون از من پرسیدند که این نامه از کیست و حاوی چه مطلبی است که تو را تا این حد خوشحال و مسرور ساخته؟ گفتم: نامه از امامی بزرگوار و کریم است؛ چشم روزگار مانند او را ندیده، شخصیتی است که در دانش صاحب آیات و در فضل پیشگام همگان است. سپس شمه‌ای از فضایل و مناقب آن جناب را برای همگان بازگفتم؛ اما با کمال تأسف و قتی نامه قرائت شد، دریافتم که بار دیگر همان اتهامها تکرار شده و نامه مملو از فحش و ناسزا و بدگویی است و پس از بیان شرح مفصلی از نگرانی و ناراحتی خود، وطواط در پایان نامه، چون قطان را متقاعد نمی‌دیده و از بدگویی و بی‌حرمتی، نسبت به او، دست برنمی‌داشته، سخت بر قطان خشمگین شده و با کلماتی تند، در پاسخ قطان می‌نویسد که اگر سرور من این رویه سوء خود را ترک نماید، من حال اخلاص و مقام شاگردی را حفظ خواهم کرد و گرنه از در دیگر داخل خواهم شد و این بیت شعر را که نشانگر غایت خشم و غضب اوست، در پایان نامه برای قطان می‌نویسد:

فَمَعْنِي لِلْمَعْدُوِّ وَقَابِعِ

تَرِيهَ الْمَنَائِيَا لِأَيَادِي وَيَهْدَاهَا

سرانجام امام حسن قطان از پاسخهای وطواط متقاعد می‌شود که وی در به غارت رفتن کتابها و اموال وی دستی نداشته و به وطواط، نامه‌ای حاکی از رضایت خود می‌نویسد. گرچه اصل این نامه نیز در اختیار نیست؛ اما از پاسخ وطواط، در چهارمین نامه، می‌توان به خوبی دریافت که قطان از اتهامات خود دست برداشته و از دشنام و بدگویی وطواط دست کشیده است. رشیدالدین از حسن عاقبت کار خشنود شده و از درشتیهایی که در نامه‌های سابق خود، در پاسخ قطان نوشته، عذرخواهی نموده است و بدین ترتیب غائله میان قطان و رشید وطواط، خاتمه یافت. وطواط در نامه آخر خود به تعریف و تمجید از قطان پرداخته و آغاز نامه را با این ابیات آراسته است:

أخوالِ العَلِيِّ الحَسَنِ القَطَانَ ذُو شَرَفِ

جِيرَانِهِ لِلنَّجْمِ الزَّهْرِ جِيرَانِ

أَنْسِي لَأَغْبِطَ قَوْمًا مَقْبَلِينَ هَمِ

لِخَطَّةِ الحَسَنِ القَطَانَ قَطَانَ

سپس از اینکه قطان، در نامه خود او را بخشیده و با کلمات و جمله‌هایی که در نامه خود نوشته، او را نواخته و اظهار رضایت

و سرور و شادمانی نموده و از اسائه ادبی که روا داشته، عذر خواسته است.^۲

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است آنکه، سیوطی در بغية الوعاة^۳، شمه‌ای از شرح حال قطان را، از معجم الادباء یا قوت حموی نقل کرده است که متأسفانه آن مطالب در نسخه چاپی موجود معجم الادباء یا قوت، وجود ندارد و گویا نسخه‌ای که در اختیار سیوطی بوده، غیر از نسخه‌ای است که اکنون در دسترس است.

شاید سیوطی شرح حال وی را از یکی از مجلدات مفقوده معجم الادباء یا قوت نقل کرده است^۴؛ ولی علامه قزوینی، در پاسخ نامه‌ای نوشته است: «... ترجمه حال حسن قطان در بغية الوعاة سیوطی، به نقل از یا قوت مسطور است؛ ولی این فقره در مجلدات مفقوده معجم الادباء، چنانکه سرکار خیال فرموده‌اید، نبوده است؛ زیرا که حسن قطان، نام و نسبش، حسن بن علی بن محمد است و در جلد سوم معجم الادباء، جمیع کسانی که نامشان حسن بن علی است، مسطور است. خواهید فرمود که پس سیوطی از کدام مجلد معجم الادباء، ترجمه حال حسن قطان را ذکر کرده است؟ در جواب عرض می‌کنم که ترجمه حال حسن بن قطان در همین جلد سوم معجم الادباء که چاپ شده، مسطور بوده است و هنوز نیز، قسمت دوم این ترجمه حال، در همان مجلد سوم مذکور است، به تفصیل ذیل:

چنانکه از مطالعه اجمالی این جلد سوم شاید استنباط کرده باشید، این جلد سقطها و بیاضهای بسیار دارد، یعنی در اصل نسخه منقول عنها، بسیار سقطها و بیاضها بوده است که در بعضی مواضع جای سقط معلوم بوده است، ولی در بعضی مواضع جای سقط اصلاً و ابداً معلوم نبوده و کلام لاحق را به کلام سابق، ناسخ چسبانیده بوده است که ابداً ربطی مابین آنها موجود نبوده است و شاید مبلغ عظیمی مابین عبارتین افتاده بوده است؛ از قبیل قسم اخیر است، ترجمه حال «الحسن بن علی الاسکافی» که ترجمه حال او، در جلد سوم معجم الادباء، از ص ۱۶۴ الی ص ۱۷۹ ممتد است و حال آنکه از ص ۱۶۹ از سطر دوازده از عبارتی که ابتدایش این است: «و کنت عند کونی بمرور عرضی علی شیخنا... السمعانی جزءاً أیشتمل علی رسائل للحسن القطان الی الرشیدالوطواط...» تا آخر ص ۱۷۹، جمیعاً راجع به ترجمه حال حسن قطان است و ابداً و اصلاً و بوجه من الوجوه، ربط به ترجمه حال حسن بن علی اسکافی، صاحب عنوان

۱. مجموعه رسائل وطواط، ص ۲۱-۲۵.

۲. همان، ص ۲۶-۲۷.

۳. بغية الوعاة، ۱/۱۳۱.

۴. مجلة شرق، دورة اول (۱۳۱۰ ش)، شماره ۱/۹۳۱.

ففيهم ذراري النَّسَبِيِّ مُحَمَّدٍ
فهم خير اخلاف تلوا خير مخلف
مضى بعد تبليغ الرسالات موصياً
باكرام ذي القربى واعظام مصحف
و مآرام أجراً غير وُد اقارب
و اهوان به اجراً فهل من به يفي^٥

که به خوبی نشانگر دوستی و علاقه‌مندی شدید وی به اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. چنان‌که از عبارت پایانی نسخه موجود گیهان شناخت: «الحمد لله حق حمده و صلی الله علی محمد و آله»^٦ نیز، چنانچه از خود وی باشد، می‌توان حدس زد که کلمه «و آله» اختصاص به شیعه دارد و معمولاً اهل سنت همراه کلمه «و آله» کلمه «وصحبه» نیز، می‌آورند. اضافه بر این آمد و شد ابوالحسن علی بن تقی بن مطهر بن حسن حسنی شمس‌الدین شرف الاسلام نسابه با وی که احتمالاً شاگرد قطان بوده و از وی علم نسب را آموخته نیز، خود مؤید شیعه بودن قطان است.^٧

ابن فندق بیهقی، چند سخن حکمت‌آمیز، از ابوعلی قطان مروزی نقل کرده که عبارت‌اند از:

مادر فضایل نفسانی حکمت، دایه آن مزاج معتدل، پدرش استعداد کامل و فرزند و ثمره و نتیجه آن خوشبختی و سعادت عظمی است.

و گوید: ریا پست‌ترین اعمال و احتمال پاک‌ترین سیره و شیوه است.^٨

آثار و تالیفات:

بیهقی درباره‌ی او نوشته است که قطان مروزی طبع شعر داشت و دارای تصانیفی است و سپس به ذکر آثار و تالیفات وی پرداخته است.^٩ شمس‌الدین رازی گوید: امام حسن قطان یکی از ائمه

١. معجم الادباء، یاقوت حموی، ۹۵/۹ - ۱۱۷.

٢. فی التراث العربی، مصطفی جواد، ص ۱۴۵.

٣. طبقات اعلام الشيعة (قرن السادس)، ص ۶۵؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص ۳۹۸.

٤. همان.

٥. الوافی بالوفیات، ۱۴۱/۱۲.

٦. گیهان شناخت، نسخه کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، به شماره «۸۴۹۴»، برگ پایانی.

٧. لباب الانساب، ۳۳۲/۱.

٨. تمة صوان الحكمة، همانجا.

٩. همان، ص ۱۵۷.

ندارد و از اندک تعمقی معلوم می‌شود که قبل از عبارت مذکور در ص ۱۶۹، یعنی قبل: «و کنت عند کونی به مرو...» مبلغ عظیمی از آخر ترجمه اسکافی و اوایل ترجمه حال حسن قطان سقط شده است و آن قسمتی را که سیوطی در بغیة الوعاة از یاقوت نقل کرده است، قطعاً و بالبداهه از همین قسمت ساقطه ترجمه حسن قطان است و قسمت اخیر آن ترجمه حال که باقی مانده است، چنان‌که ملاحظه خواهید فرمود، فقط عبارت است از نقل چند مکتوبی که مابین حسن قطان و رشید و طواط مبادله شده بوده است...».

سپس در ادامه این نامه، به تصحیح اشتباه محقق معجم الادباء، یعنی مارگلیوث، در ص ۱۶۴، بعد از عنوان «الحسن بن علی الاسکافی» پرداخته که در حاشیه نوشته است: «یظهر مما یجئانه المعروف «بالحسن القطان»، به عبارت دیگر مارگلیوث، خیال کرده که تمام ترجمه حال حسن اسکافی، در حقیقت ترجمه حال حسن قطان است و این اشتباهی واضح است. به هر حال آنچه فعلاً از شرح حال حسن قطان در معجم الادباء موجود است، همان نامه‌های رشیدالدین و طواط به قطان است که در مجموعه رسائل خود و طواط نیز، آمده است...»^١. مصطفی جواد نیز، همین مطلب را تأیید کرده است.^٢

حادثه تلخ دیگری که برای قطان مروزی پیش آمده، دستگیری توسط ترکان غز و مرگ اوست که در بیشتر منابع آن را ذکر کرده‌اند و شرح تفصیلی آن از این قرار است:

در حادثه هجوم غزان به خراسان در سال ۵۴۸ قمری و استیلای آنان بر خراسان بزرگ، حسن قطان نیز، جزو کسانی بود که به دست ترکان غز اسیر گردید و در حال اسارت، آنان را با دشمنانها و ناسزاهای سخت آزرده و آن دیوسیرتان آدم‌کش، چندان خاک در دهان او ریختند، تا سرانجام در نیمه رجب همان سال جان باخت.^٣

در منابعی که شرح حال وی را آورده‌اند، هیچ اشاره‌ای به مذهب و اعتقادات او نشده است؛ اما آقابزرگ تهرانی، به دو دلیل او را در شمار علمای شیعه آورده است. نخست پنهان کاری در امر استماع حدیث و دیگری نوشتن کتاب نسب ابی‌طالب که همان کتاب دوحة الشرف فی نسب ابی‌طالب است.^٤

در تأیید این نظریه می‌توان به اشعاری که صفدی از وی در مورد آل ابی‌طالب و طالبیان سروده نیز، استناد کرد و به تمایلات شیعی‌گرانه وی پی برد و آن اشعار به این شرح است:

حد انسي لحصر الطالبیین حُبُّهم
و شدَّ الی مرقي عَلام تشوُّفي

خراسان بوده و مختصری در علم عروض ساخته و اوزان دوبیتی را بر دو شجره نهاده است.^۱

صفدی اظهار داشته که قطان مروزی در هر یک از علوم اسلامی توانایی و صاحب اثر بود. او از تمامی دانشهای زمان خویش بهره گرفته و از آن آگاهی داشت و کتابخانه‌ای در مدرسه خاتونیه مرو تشکیل داده بود و خود بر آن نظارت داشت و از کتابهایی که خود نوشته و یا به دست آورده بود و شمار فراوانی نیز بودند، وقف آن نموده و در اختیار همگان قرار داده بود. سپس به شرح آثار وی پرداخته است.^۲

سیوطی به نقل از یاقوت نوشته که آثار و تألیفات وی در میان مردم مرو مشهور بوده و جایگاهی بلند در میان اهالی مرو داشته است.^۳ آثار و تألیفاتی که در منابع و مآخذ به او نسبت داده‌اند به این شرح است:

۱. دوحه الشرف فی نسب ابي طالب که در برخی از منابع به اختصار الدوحه، خوانده شده و در هشت مجلد بوده است. چنان‌که از نام آن آشکار می‌باشد، در علم انساب و تبارشناسی است. از این کتاب اکنون اطلاعی نداریم؛ اما تعدادی از تبارشناسان، از این کتاب، در آثار خویش یاد کرده و مطالبی از آن نقل نموده‌اند، همچون: اسماعیل بن حسین مروزی از زورقانی (م پس از ۶۱۴ ق) که در چند مورد از کتاب الدوحه استفاده کرده است؛^۴ دیگری فخرالدین رازی است که از کتاب قطان استفاده نموده است؛^۵ ابوالحسن علی بن ابوالقاسم بیهقی «ابن فندق» (م ۵۶۵ ق) نیز گویا از این کتاب بهره برده و در آغاز کتاب خویش به ذکر علمای نسب که در شهرهای مختلف اقدام به نوشتن کتابی در علم انساب کرده‌اند، پرداخته و از آن میان از قطان مروزی و کتاب وی نام برده است.^۶

۲. رسالة سارحة الرموز و فاتحة الكنوز.

۳. سبائك الذهب.

۴. رسالة مشجر در انساب.

۵. العروض مشجر^۷ گویا همان کتابی است که شمس‌الدین محمد بن قیس رازی، از آن استفاده کرده و نوشته است که قطان مروزی، نخستین کسی است که دو شجره آخرب و آخرم را برای تسهیل اوزان ۲۴ گانه رباعی استخراج کرده است و مختصری در علم عروض ساخته است و اوزان دوبیتی را بر دو شجره نهاده و من در کتاب خود، همان صورت نقش کردم و بر هر نوع مصراع شعر نوشت و از احیای هر یک باز نمود، تا به فهم نزدیک‌تر باشد و مبتدی بر کیفیت انشعاب آن زودتر واقف شود و صورت آن دو شجره، این است که بر این دو صفحه است والله اعلم.^۸

۶. رسائل في الطب.^۹

همان‌گونه که پیشتر یاد آور شدیم، از آثار یاد شده، اکنون هیچ اطلاعی نداریم و دانسته نیست که آیا از این آثار نسخه‌ای موجود است، یا اینکه تمامی آنها از میان رفته‌اند. مهمترین اثر و شناخته‌ترین کتاب وی گیهان شناخت است که صفدی نوشته، من آن را دیده‌ام و در فن خود کتابی است، بسیار ارزشمند و خوب.^{۱۰} خوشبختانه اکنون، تنها نسخه کهن آن موجود است و موضوع همین گزارش می‌باشد که قصد داریم به معرفی آن بپردازیم. نکات و مطالبی که باید در مورد این کتاب بیان داشت به این شرح است:

۱. نام و عنوان:

در نام اصلی کتاب، اختلاف است برخی آن را: گیهان سیاحت و یا گیهان سیاحت خوانده‌اند.^{۱۱} در مورد نخستین عنوان، علامه قزوینی نوشته است باکاف عربی و گاف فارسی، هر دو صحیح است علی ما فی البرهان.^{۱۲} همچنین در مورد کلمه «سیاحت»، علامه قزوینی نوشته است که: «... منتهی به اسم گیهان سیاحت (کذا) که مسبب از سهو نساخ است، بدون هیچ شکلی...»^{۱۳}

بنابراین نام صحیح کتاب همان: «گیهان شناخت» یا «کیهان شناخت» است که بیشتر مآخذ به آن تصریح کرده‌اند.

۲. مؤلف گیهان شناخت:

مرحوم سید جلال‌الدین تهرانی، ذیل شرح حال «حسن قطان مروزی» در گاهنامه، نوشته است که: «ما از او کتابی در هیئت و نجوم سراغ نداشتیم، تا آنکه از کتابخانه مرحوم حاج شیخ فضل‌الله مجتهد

۱. المعجم في معايير اشعار المعجم، ص ۹۱.

۲. الوافي بالوفيات، ۱۴۱/۱۲.

۳. بغية الوعاة، ۵۱۳/۱.

۴. النسخي، ص ۵۴، ۱۲۸، ۲۴۷، ۲۴۸، از انتشارات کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ نخست.

۵. الشجرة المباركة، ص ۳۸، ۱۰۹، نیز از انتشارات این کتابخانه، چاپ نخست.

۶. لباب الانساب، ۱۸۷/۱، ۳۳۲، از انتشارات این کتابخانه.

۷. الوافي بالوفيات، ۱۴۱/۱۲.

۸. المعجم في معايير اشعار المعجم، ص ۹۱.

۹. تمة صوان الحكمة، ص ۱۵۷.

۱۰. الوافي بالوفيات، همانجا.

۱۱. تمة صوان الحكمة، همانجا؛ الاعلام زرکلی، ۲۰۲/۲.

۱۲. برهان قاطع، ۱۷۶۱/۳، ۱۸۷۲، یادداشتهای قزوینی، ۵- ۲۸۹/۶؛ فرهنگ فارسی معین، ۳۱۱۶۱/۳ و ۳۵۱۵.

۱۳. یست مقاله قزوینی، ۱ و ۳۵۸/۲؛ مجله شرق، دوره اول (۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ ش)، ۶۰۵/۹.

آورم و حالا پس از قرائت مرقومه عالی و رجوع به تتمه صوان الحکمة، نسخه برلین، ورق ۸۸۹ دیدم، بله واضحاً صریحاً، تألیف کتاب مزبور را به امام حسن قطان، نسبت می‌دهد... فوق العاده از این اکتشاف سرکار، بنده هم خوشحال شدم و فوراً در تحت نام سرکار این فقره را در حاشیه حاجی خلیفه و در ورقه علیحده یادداشت کردم که یادم نرود.^۴

غیر از بیهقی در تتمه صوان الحکمة و سیوطی در بغیة الوعاة به نقل از معجم الادباء یا قوت حموی، صفدی نیز، در شرح حال قطان مروزی، کتاب کیهان شناخت را از آثار وی معرفی کرده است^۵ و در منابع متاخر نیز، یکی از آثار قطان مروزی را، همین کتاب دانسته‌اند.^۶ بنابراین انتساب کتاب کیهان شناخت و نسخه موجود آن به وی قطعی است و جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند.

۳. تاریخ و مکان تألیف:

بر اساس نوشته‌ها و استخراجهایی که آقای سید جلال‌الدین منجم تهرانی کرده‌اند، در نسخه موجود کیهان شناخت، در سه موضوع از کتاب، تاریخ تألیف کتاب به صورت تقریبی در فاصله سالهای ۴۹۸ تا ۵۰۰ قمری می‌باشد که به این شرح ذکر کرده‌اند که من تاریخ تألیف و مکان تألیف آن را در هنگام بیان اوجات کواکب و تعیین قبله مرو، یافته‌ام سپس به بیان این مواضع سه گانه پرداخته‌اند:

الف. مورد اول، در اوایل نسخه، تصریح می‌کند که: «مواضع اوجات کواکب شمس و زهره و جوزا ۲۵ درجه و ۳۹ دقیقه و ۲۳ ثانیه، به اول محرم ۴۹۸ قمری...».

ب. مورد دوم، در اواسط نسخه: «اصول الجوزهرات، زحل، اسد، ۱۷ درجه و ۵۲ دقیقه و ۳۳ ثانیه، حرکت ایشان هم، چون اوجات است، برای سال ۴۹۸ هجری...».

ج. در اواخر نسخه موجود نیز، چنین آمده است: «و به تاریخ آخر جمادی الاولی سنه خمسّمائة و در این ماه قران علویّین بود در

نوری، کتابی به نام کتاب کیهان شناخت، آقای آقاضیاءالدین، نجل آن مرحوم بیرون آوردند^۱ و برای پیدا کردن مؤلف آن را در کتابخانه مجلس در دسترس اهل فضل گذاردند، مؤلف معلوم نشد؛ ولی تاریخ تألیف و مکان تألیف آن را اینجانب یافتیم. چه در تعیین اوجات کواکب می‌نویسد که به سال ۴۹۸ قمری، قبله مرو را نیز، تعیین کرده و این عادت بود میان قدما که هر یک در کتب هیئت و نجوم، قبله شهر خود را تعیین می‌نمودند. ما دانستیم که این کتاب در سال ۴۹۸ تا ۵۰۰ قمری، تألیف شده و در مرو نیز، تألیف گردیده؛ ولی مؤلف معلوم نبود، تا آنکه از کتابخانه آستانه مقدسه، کتابی به نام تتمه صوان الحکمة، تألیف ابوالحسن بیهقی بیرون آوردند و در تهران به آقای سید محمد مشکوة بیرجندی که مردی فاضل است، برای تصحیح و نوشتن برخی حواشی دادند؛ در آن کتاب، تحت عنوان «حسن قطان مروزی» می‌نویسد: مؤلف کتاب کیهان شناخت فارسی در هیئت. آقای آقامیرزا طاهر تنکابنی، مدرس حکمت الهی که کتاب کیهان شناخت را دیده بودند، چون تتمه صوان الحکمة را نیز می‌خوانند، متوجه می‌شوند که امام حسن قطان مروزی، صاحب کیهان شناخت است و ایشان تذکر موضوع دادند. پس امام حسن قطان مروزی، مؤلف کتاب کیهان شناخت و کتاب دیگری است که به نام اختر شناخت تألیف کرده و در کیهان شناخت، بدان اشاره کرده است.^۲ مرحوم عباس اقبال آشتیانی نیز، در این مورد نوشته است: «اگر چه در متن کتاب کیهان شناخت، هیچ جا اسم مؤلف برده نشده؛ ولی از اشاره بیهقی و مشهور نبودن کتابی به این عنوان، در علم هیئت، به اسم دیگری، می‌توان به ظن قوی گفت که این نسخه کیهان شناخت، همان کتابی است که بیهقی تألیف آن را به امام حسن قطان منسوب می‌دارد، به خصوص که مؤلف نسخه حاضر، در آن سمت قبله شهر مرو را که موطن و مقر قطان مروزی است، تعیین می‌کند و تألیف آن نیز، در بین سنوات ۴۹۸ تا ۵۰۰ قمری است؛ یعنی در اواسط عمر امام حسن قطان و بسیار بعید است که در یک عصر و زمان، دو نفر در یک شهر، در باب یک علم، دو کتاب به یک اسم تألیف کنند.^۳

علامه قزوینی نیز، در مورد انتساب کتاب کیهان شناخت، به قطان مروزی، در نامه‌ای در تأیید نظر اقبال آشتیانی، چنین نوشته است: «اکتشاف بسیار - بسیار مهمی فرموده‌اید که در تتمه صوان الحکمة، یافته‌اید که مؤلف کیهان شناخت، امام حسن قطان بوده است، چندی قبل آقای آقاضیاءالدین نوری، از بنده در خصوص مؤلف کتاب مزبور استفسار فرموده بودند و من با فحص بلیغ در جمیع فهارس جمیع مکاتب اروپا که به آنها دسترسی داشتم، ذکر و نامی و نشانی، نه از کیهان شناخت و نه از مؤلف، آن نتوانستم به دست

۱. این نسخه، همان تنها نسخه موجود از کتاب کیهان شناخت است که به کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) منتقل شده است.

۲. گاهنامه ۱۳۱۱ ش، ص ۱۳۲-۱۳۳.

۳. مجله شرق، دوره اول (شهریور ۱۳۱۰)، ۵۳۳/۹-۵۳۴.

۴. همان، دوره اول (۱۳۰۹-۱۳۱۰ ش)، ۶۰۵/۹.

۵. الوافی بالوفیات، ۱۴۱/۱۲.

۶. به عنوان نمونه نگاه کنید به: تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۹۶۵/۲-۹۶۷؛ گنجینه

سخن، صفا، ۱۴۱/۲؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی، ۱۲۷/۱؛ سبک‌شناسی،

ملک الشعرا، بهار، ۴۰۳/۲-۴۰۴؛ فرهنگ ادبیات فارسی، ص ۳۹۸.

و دیگر نسخه‌ها که در برخی کتابخانه‌های داخل کشور موجود است و بعد به آنها اشاره خواهیم نمود، از روی همین نسخه کتابت و گرته برداری شده است.

اما مشخصات نسخه کتابخانه که انگیزه این گزارش می‌باشد، چنین است: این نسخه به شماره «۸۴۹۴»، در گنجینه نسخه‌های خطی این کتابخانه به ثبت رسیده و در سه شنبه ۲۱ رمضان سال ۵۸۶، به خط نسخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم کاتب، کتابت شده، عناوین و نشانها و جداول و اشکال آن شنگرف، شامل ۱۰۲ برگ و هر برگ در پانزده سطر و هر صفحه چهارده در نوزده سانتی متر، جلد تیماج مشکی، بر روی برگ آغاز، چند تملک و نشانی خواندن کتاب دیده می‌شود که این نامها را می‌توان خواند: سعد بن سهراب قیصری، به تاریخ ربیع الاول ۷۲۰؛ علی بن احمد... و پشت برگ پایانی شعری است از سلطان خوارزمشاه که در هشتم ذی‌قعدة ۶۲۸ نوشته شده است.

علامه قزوینی، در یادداشت‌های خود راجع به این نسخه و مشخصات روی جلد و انجام آن چنین نوشته است: «کتابی است در علم هیئت، به زبان فارسی که در حدود سنه ۴۹۸، ظاهراً تألیف شده... نسخه خطی بسیار نفیس پاکیزه قدیمی، مورخه سنه ۵۸۶ است؛ کما سیجی و ملکی آقای آقازاده الدین نوری، پسر مرحوم آقا شیخ فضل‌الله نوری معروف مصلوب در سنه ۱۳۲۷، است که موقتاً به عنوان عاریه، نزد من فرستاده است.

در آخر کتاب گوید: "و ما پس از این در احکام سخن خواهیم گفتن. ان شاء الله و آن قسم را اختر شناختی خوانند" و از این گویا معلوم می‌شود که مؤلف، کتابی دیگر تألیف کرده بود (یا می‌خواست است تألیف نماید) در علم احکام نجوم، موسوم به: اختر شناخت... و در صفحه اخیر کتاب کاتب عبارت ذیل را رقم کرده است: "فرغ من کتبه [کذا] يوم الثلاثاء الحادی والعشرون [کذا] من رمضان سنة ستة [کذا] و ثمانین و خمس مائة هجرية بخطه ابراهیم بن محمد بن ابراهیم الکاتب" سپس در همان صفحه، بلافاصله، به خطی الحاقی، غیر خط کاتب اصلی؛ ولی قدیم مسطور است:

«شیخ اوحد الدین فرماید:

هر دل که درو مایه تجرید کم است

بسیهوده همه عمر ندیم ندم است

برج جدی در ۱۲ درجه و ۴۰ دقیقه و خسوف کلی گذشته بود، ماه را در آخر سرطان، در این تاریخ مذنبه عظیم بدید آمد سپید یک رنگ بر شکل کوی صنوبر مغربی در آخر برج فوت». اقبال آشتیانی، این مطلب را از سید جلال‌الدین تهرانی نقل کرده‌اند.^۱

بدین ترتیب روشن می‌شود که آغاز تألیف کتاب، در اواخر سال ۴۹۷ قمری بوده و در اواسط یا اواخر سال ۵۰۰ قمری، تألیف آن پایان یافته است.

در مورد مکان تألیف کتاب نیز، باید گفت که چون عادت و سیره قدما بر این بوده که هر یک از آنها در کتابهای هیئت و نجوم، قبله شهر خود را تعیین می‌کرده‌اند، مؤلف در این کتاب نیز، جهت قبله شهر مرو را که موطن وی بوده، تعیین نموده و بدین سان روشن می‌شود که این کتاب را قاطان در همان زادگاه خویش یعنی شهر مرو، نوشته است.^۲

۴. نسخه‌های موجود:

چنان‌که اشاره شد از این کتاب نسخه‌ای نفیس و بسیار کهن باقی مانده است که براساس نوشته‌های آقا بزرگ تهرانی، سید جلال‌الدین تهرانی، علامه قزوینی، اقبال آشتیانی و احمد منزوی، در کتابخانه مرحوم شیخ شهید، شیخ فضل‌الله نوری بوده و پس از وی به فرزندش آقازاده الدین نوری رسیده و ایشان این نسخه را برای شناسایی مؤلف، به کسانی چون سید جلال‌الدین تهرانی، علامه قزوینی و تنی چند از فضلاء آن روزگار سپرده و آنان نیز به اشاره آقامیرزا ظاهر تنکابنی، متوجه می‌شوند که این کتاب از آن قاطان مروزی است؛^۳ اما مشخصات این نسخه و سایر نسخه‌های موجود بدین شرح است:

یک: نسخه کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی (ره) چند سال قبل، فردی نسخه‌ای کهن و نفیس از کتاب گیهان شناخت، را برای فروش به اینجانب پیشنهاد کرد؛ با دقت بسیار آن نسخه را بررسی نمودم و آن را بسیار نفیس و ارزنده یافتم و بی‌درنگ آن را خریداری و شخصاً وقف بر کتابخانه بزرگ و عمومی مرحوم والد بزرگوارم (ره) نمودم و سرانجام با مراجعه به منابعی که گزارش این نسخه را داده بودند، دریافتم که این همان نسخه‌ای است که در کتابخانه مرحوم آیت‌الله شیخ شهید فضل‌الله نوری بوده و پس از وی، به فرزندش مرحوم آقازاده الدین نوری رسیده است و براساس اطلاع اینجانب، تنها نسخه موجود کتاب است و نسخه دیگری از آن سراغ ندارم

۱. مجله شرق، دوره اول (شهریور ۱۳۱۰)، ۵۳۴/۹-۵۳۵.

۲. گاهنامه ۱۳۱۱، ص ۱۳۲.

۳. الذریعة، ۲۵۴/۱۸-۲۵۵؛ گاهنامه ۱۳۱۱، همانجا؛ مجله شرق، همانجا؛ بیست

مقاله قزوینی، ۳۵۷/۱ و ۳۵۸/۲؛ یادداشت‌های قزوینی، ۵ و ۲۸۹/۶-۲۹۸؛ فهرست

نسخه‌های فارسی، منزوی، ۳۴۱/۱-۳۴۲.

خاک و خون نمود، دنباله‌اش به شهر و دیار او نیز رسیده بوده یا هنوز نرسیده بوده؟ در هر صورت، بقای کتابی فارسی الی یومنا هذا با این پاکیزگی و تازگی و عدم استعمال که ۳۱ سال قبل از خروج مغول، استتساخ شده باشد و در همان سال خروج مغول، کسی تفنناً و بدون اشاره‌ای به این بلای جهان سوز آسمانی، کان لم یکن شیئاً مذکوراً، این رباعی خوارزمشاه را با این عبارت ساده لوحانه بچه گانه نوشته باشد، بسیار چیز نادری و یادگار بسیار موثری است.

چه می‌بیند که در همه این کشمکشها و قتلها و غارتها و خونریزیها، نه از غالب و نه از مغلوب، اکنون اثری و نشانی مطلقاً و اصلاً، جز همین کتاب و یک کتاب دیگر، به هیچ وجه من الوجوه باقی نمانده است. در پشت برگ آغازین این نسخه بر فراز صفحه به خط کوفی نوشته است:

«کتاب گیهان شناخت،^۱ لخرزانه کتب الامیر الاسفهلار الاجل الکبیر العالم العادل الموید المظفر المنصور حسام الدوله و الدین رکن الاسلام و المسلمین عرس الملوک و السلاطین سید الامراء ابی الحسن علی بن عمر بن علی مال [کذا؟] طال الله بقاه...».

در اطراف و حواشی این صفحه، امضای چهار نفر از مالکین مختلف این نسخه، در ازمنه مختلفه که غالباً محو و غیر خواناست و یکی از آنها مورخه هفتصد و چهل و اندی است (که این عقد آحادش درست خوانا نیست) و در حاشیه در طرف دست راست به خطی جلی قدیمی نوشته است: «عدد اوراق نبشته صد دویت» یعنی صد و دو است، چنانکه در شمردن اوراق واضح شد... پایان یادداشت علامه قزوینی.^۲

در آغاز نسخه حاضر چنین آمده است: «سپاس آفرینکار راکی هرج آفریند درست و خوب آفریند و ستانش آن کردکار راکی هرج کرد بسند و بسندیده کرد داننده پینداو نهان، سازنده کار هر دو جهان هرگونه چیزها آفریند و دانست که از هر چیز چه ایذ و از هر دوئی چه زاید. آسمانها بیافریند بقدره و در میان ایشان زمین نهاد بحکمت. آسمانها بر هم نهاده و در میان زمین ایستاده. یکی را جنبش و یکی را آرام و هر دو خواست و فرمان او رارام و دروژ بر فرستادگان او کی کزینکان و پاکان بوژند و مردم را پیرستش او راه نمودند. هرج گفتند راست گفتند و بهتری مردم جستند و دروژ خدای تعالی بر ایشان باذ و مارا از نادانی و کم راهی نگاه دارا.»^۳

۱. نام کتاب، در نسخه موجود، با خط کوفی درشت کتابت شده است.

۲. یادداشتهای قزوینی، ۵ و ۶/۲۹۰-۲۹۴.

۳. گیهان شناخت، برگ نخست.

جز خاطر فارغ که نشاطی داده

دیگر همه هر چه هست اسباب غم است»

سپس در پشت این صفحه (یعنی در آخرین برگ نسخه) به خطی الحاقی، غیر خط کاتب، اصل نسخه؛ ولی خطی بسیار قدیم، مسطور است:

«سلطان عالم خوارزمشاه گوید:

معشوقه لاله رخ... یذ

کین حسن وی و مهر نماند جاوید

از گردش چرخ و تیر و ماه و .. یذ

اوسبت سبز کرد و من موی سپید

و کتب اذل عبادالله و اعجز خلق الله، سبعین [کذا - ظ: سبعون] و ثلثین [ظ: ثلثون] و عشر این واحد و ثمان [ظ: ثمانیه] و اربعون و اربع [ظ: اربعة] عطرالله له و لجمیع المسلمین فی ما من شهر ذی قعدة [کذا] سنة ثمان عشر و ستمائة، اعلم هذا الحساب ایها القاری و صلی الله... اجمعین»، انتهى.

رباعی مذکور را در لباب الالباب، به اتسازین قطب الدین محمد خوارزمشاه (۵۲۲-۵۵۱ ق) نسبت می‌دهد، با اندک اختلافی، با نسخه حاضر هکذا:

«آن معشوق زهره رخ همی داشت امید

کانون خوبی و این عشق بماند جاوید

از گردش چرخ و سیر ماه و خورشید

او سببت سبز کرد و من موی سپید»

و بدیهی است که کلمه «آن» در مصراع اول: غلط و زیادی است و وزن را می‌شکند و باید بدون «آن» خواند؛ ولی با کسره مشبعه قاف «معشوق» بروزن: مفعول فاعلی مفاعیل و فاعول و همچنین واضح است که «معشوقه» در نسخه حاضر، کامراً، غلط بین است و صواب «معشوق» است؛ زیرا که معشوقه بدیهی است که سببت سبز نمی‌کند و نیز، واضح است که مراد کاتب عبارت مذکور از اعداد مزبوره، «علی بن احمد» است و واضح است که سواد عربی چندان نداشته است...؛ ولی چیزی که انسان را قدری متأثر و متفکر می‌کند که کاتب این جمله که فی نفسها هیچ اندر هیچ است، این عبارت، کودکانه را در همان سال خروج مغول نوشته است و انسان بی‌اختیار به این فکر می‌افتد که آیا این نویسنده ایرانی در همین نوشتن این عبارت، در کدام نقطه و کدام قطری از اقطار بلاد ایران یا ترکستان و ماوراء النهر یا بلاد روم و عراق، آیا در کدام شهر یا قریه یا قصبه بوده است؟

و آیا آن طوفان عالمگیر مغول که تمام دنیای شرقی را غرق

ترتیب مقتبس است از نص قرآن: قال الله عز وجل: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِذَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ،^۱ و خلاف را اندرین فن، راه نیست و اندرین کتاب از احکام نجوم، از قلیل و کثیر یاد نکردیم؛ از بهر آنکه آن علمی است قیاسی و کمائی و این علمی است یقینی و برهانی و این هر دو را بهم آمیزش نبوده.^۵ این کتاب، مشتمل بر سه فصل و هر فصل به انواع متعددی تقسیم شده که به این شرح است:

فصل اول: در بیان عالم علوی که خود مشتمل بر نه نوع می‌باشد:

نوع اول: اندر عدد فلکها و کواکب و بروج.

نوع دوم: اندر حرکات کواکب ثابته و سیاره.

نوع سوم: اندر اوجها و نطقهای افلاک.

نوع چهارم: اندر فلک تدویر و خاصیت‌های او.

نوع پنجم: اندر بیان فلک هر کویکی جدا گانه.

نوع ششم: اندر جوهرها و عرضهای کواکب.

نوع هفتم: اندر حرکت اولی مشرقی.

نوع هشتم: اندر چهل و هشت صورت کواکب ثابته.

نوع نهم: اندر منازل قمریست و هشتگانه.

فصل دوم: اندر بیان عالم سفلی که خود مشتمل بر سه نوع است:

نوع اول: اندر آنکه زمین کره است.

نوع دوم: اندر مقدار زمین.

نوع سوم: اندر حوادث جو.

فصل سوم: اندر گذشتن روزگار که دارای چهار نوع می‌باشد:

نوع اول: اندر بیان روز و شب.

نوع دوم: اندر درازی روز و شب.

نوع سوم: اندر تواریخ.

نوع چهارم: اندر اجتماعات کواکب و استقبال‌هایشان.

دو. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی:

از این کتاب، نسخه‌ای به شماره ۲۰۲، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است که در ۲۳ دیماه ۱۳۰۷ / اول شعبان

و در پایان این عبارت آمده است: «و هرک این کلمها فرو نکرذ، باید که بحکم فضل مرا معذور دارذ و بهتر شمردن مشغول کردذ نه بعیب شمردن که جون درین مقدار حجم چندین سخن گفته شده باشد اگر در یک طرف آهوئی [کذا] افتاده باشد، عفو احتمال کند و تجاوزالله عن کریم سمع هذه المقالة فعمل بها، الحمدلله حق حمده و صلّی الله علی محمد و آله، فرغ من کتبه یوم الثلثا الحادی و العشرون من رمضان سنة ستة و ثمانین و خمس مائة هجرية بخطه ابراهیم بن محمد بن ابراهیم الکااتب».^۱

علت تألیف این کتاب را مؤلف در آغاز کتاب، چنین بیان کرده است:

«چون کرایش مردمان به ستاره شناختی که او را علم نجوم گویند پیوسته دیدم و دلها در وی بسته دیدم و کتابهایی که استاذان این دانش ساخته‌اند از بهر نوآموزان که آنها را مدخل خوانند، بسیار دیدم، لختی دراز و زیادت از آن که فهم نوآموزان دریابد و لختی کوتاه و کم از آن که بسنده باشد، این جند سخن فراز آوردم کوتاه و آسان تا جون کسی خواهد که از این هنر بهره گیرد، این مایه را آسان در تواند یافتن و نیز راه او را بکتابها درازتر اگر بخواهند و کوشیدم تا آنج یاد کردم، سخن استاذان و دنا آئی بود که در سخن کزاف نیست و هیچ بدکمائی بکتابها ایشان راه نیابد؛ تا این سخنها درست و پاکیزه آید و خردمندان را بشاید و نیرو از خدا خواهیم - عزوجل - که اوست توانا بر کمال».^۲

سپس در مورد نام کتاب چنین نوشته است: «و نام این کتاب کیهان شناخت دادم؛ زیرا که هر که این کتاب بدانذ؛ شناسنده کردذ بر اشکال کیهان و روشن کردذ او را جکونکی او و اگر بیشتر خواند نیز، بهتر دانذ، زیرا که از بس هر دانستی دانستن دیکریست و هرک چیزی دانذ، دیکری بود که بهتر از او دانذ و خداست - جل جلاله - که هیچ چیز بر او پوشیده نیست».^۳

موضوع و محتوای کتاب:

در مورد موضوع کتاب، مؤلف در مقدمه چنین نوشته است: «... و نهاد این کتاب جنانت که صفت هر دو جهان در او یاد کنیم. نخست آسمانها و آنج در اوست؛ از اجرام حامل و محمول و این را عالم علوی گویند. اندرین فصل، نخست حرکت کواکب کوئیم، بس حرکت آسمان از بهر خوبی این کتاب و ترتیب و آسانی دریافتن او، بس زمین و جکونکی او و این را عالم سفلی گویند، بس بکویم که شبان روز و کشت سال و روز و روزگار جکونه است؛ تا آفرینش و نهاد هر دو کیتی را دانسته آید و این

۱. همان، برگ آخر.
 ۲. همان، برگ نخست.
 ۳. همان، برگ نخست.
 ۴. سورة آل عمران (۳)، ۱۹۰.
 ۵. کیهان شناخت، برگ نخست.

مرحوم استاد جلال الدین همایی، در مقدمه کتاب التفهیم، به این نکته اشاره کرده و پس از معرفی کتاب گیهان شناخت، چنین نوشته است: «... و در بسیاری از عقاید، از قبیل حرکت فلک ثوابت هر ۶۶ سال یک درجه و در مدت ۲۳۷۶۰ سال یک دور و همچنین در شماره ثوابت و منازل قمر و قرانات و جغرافیا، پیرو ابوریحان است و بالجمله این کتاب هم در روش تألیف و هم در نظم و ترتیب فصول و ابواب و هم در بیان مطالب، سرتا پا اقتباس و تقلید از کتاب التفهیم است و گاهی عین عبارات التفهیم را با اندکی تصرف آورده است.

نمونه‌ای از عبارات گیهان شناخت با کتاب التفهیم، را در اینجا نقل می‌نمایم:

در باب حرکت فلک ثوابت، می‌نویسد: «بدانکه ستارگان ثابتة نزدیک علماء متأخر در هر شصت و شش سال، یک درجه از منطقه البروج بپرنند و بطلمیوس، در کتاب مجسطی چنین گفته است که به هر صد سال، یک درجه روند و سیر ایشان بر توالی است، اعنی به ترتیب بروج نخست حمل بپرنند، آنکاه به حمل باز آیند و این در مدت ۲۳۷۶۰ سال شمسی بود، بر حسب قول علماء متأخر».

و در اوجات ستارگان می‌گوید: «بدانکه هر کوکبی اندر فلک خویش کاه به زمین نزدیکتر آید و کاه بلندتر شود و از زمین دورتر بوذ و غایت بلندی کوکب را اوج کویند و بعدا بعد نیز کویند و به لغت یونانی افرنجیون^۱ کویند و غایت نزدیکی را به زمین حاضیض کویند و قرب اقرب کویند و به لغت یونانی افرنجیون^۲ کویند».

در صورت سنبله می‌گوید: «ششم سنبله که او را نیز عذرا کویند و وی بر صورت زنی است باکیسو فرو گذاشته، سر وی سوی مغرب و پای وی سوی مشرق، دست راست وی سوی شمال و دست چپ سوی جنوب و اندر وی بیست و شش ستاره است و بیرون از وی شش ستاره است».

و درباره کواکب ثابتة یا ستارگان بیابانی می‌گوید: «و این جمله ستارگان را بیابانی کویند و بدان که بر آسمان ستاره از بهر آن سخت بسیار می‌نماید که براکنده است و نظم ندارد و شمردن آنج براکنده و بی نظم بوذ، دشوار بوذ؛ اما چون هم برین نسق که حکیمان پیشین

۱۳۴۷، توسط احمد فرامرزی، به خط نسخ، در ۶۷ برگ و هر برگ در ۲۶ سطر، قطع رحلی، به طول ۲۸/۵ و عرض ۱۸ سانت از روی نسخه آقاضیاءالدین نوری^۱ که اکنون در کتابخانه بزرگ حضرت والد (ره) موجود است، نوشته و گرت برداری شده است.

فیلمی از این نسخه، اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره «۲۷۱۶»، موجود است.^۲

سه. نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران:

این نسخه در اصل مربوط به علامه قزوینی بوده است. چنانکه اشاره کردیم، علامه قزوینی، چندی نسخه آقاضیاءالدین نوری را به امانت گرفته بود و در همان زمان از همسر خود «رزا» که فارسی نمی‌دانست، خواست که از روی نسخه اصل گرت برداری کند، تا نمونه‌ای از نسخه اصل در دست باشد. این نسخه به خط نسخ، با ممداد بر روی کاغذ زوروق و روی نسخه مورخ ۲۱ رمضان ۵۸۶ قرار داده و گرت (کرده) خط نسخه را روی آن نشان تصویر نموده‌اند. این نسخه، با کاغذ فرنگی، بدون جلد در ۱۰۱ برگ ۱۹×۱۴، در ۱۵ سطر ۱۰×۱۴، به شماره «۲۳۱-ج»، اکنون در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، موجود است.^۳

چهار. نسخه‌ای از این کتاب، به زبان عربی، در کتابخانه میشیگان آمریکا موجود است که مرحوم استاد محمد تقی دانش پژوه آن نسخه را دیده و مشخصات آن را به این صورت ثبت نموده است: نسخ عربی، روز شنبه نزدیک به پایان جمادی الاول ۱۲۹۸، در ۴۵ برگ ۱۴/۹×۳×۲۲ که در فهرست آن کتابخانه، به نام «لسان شناخت»، معرفی و ثبت شده است. در دیباچه نیامده که ترجمه است، بلکه گفته شده: «و صفت هذا الكتاب الصغير الحجم الكثير العلم»، در سه کلام:

۱. في بيان احوال العالم العلوی و هو تسعة فصول.

۲. في بيان احوال العالم السفلی و هو ثلاثة فصول.

۳. في دورالازمان و هو اربعة فصول.

آغاز: «الحمد لله الذي خلق لامن شیتی و ابدع و احکم... و سمیته کیهان شناخت».^۴

به احتمال زیاد، این نسخه ترجمه‌ای از این نسخه و یا نسخه‌ای است، که اکنون در دسترس نیست.

نکته‌ای که در پایان این مقال در خور توجه است، اینک کتاب گیهان شناخت نیز، مانند برخی از کتابهای دیگر این دوره و پس از آن، تقلید گونه‌ای از کتاب مهم و ارزشمند التفهیم ابوریحان بیرونی است و یا دست کم مأخذ آن، کتاب التفهیم بوده است.

۱. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۱۲/۲-۱۱۴.

۲. فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۷۳/۱.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ص ۴۰۱-۴۰۲.

۴. نسخه‌های خطی، دفتر دهم، نشریه دانشگاه تهران، ص ۲۱۵.

۵. نک: التفهیم، ص ۱۱۶، ظاهراً «افریجیون» و «افریجیون» است.

۶. همان.

شمرده‌اند، اگر کسی باره - باره جدا می‌کند و می‌شمرد و مدتی دراز در این کار کند، بدانند که ایشان راست می‌گویند.^۱

و در باب نسیبی می‌گوید: «و عرب حاجتمند بوذند بآنک حج ایشان در وقتی باشد که سخت گرم نبوذ و هوا خوش بوذ و حرکت آسانتر بوذ»^۱

کوتاه سخن اینکه دکتر معین نوشته است: «کتاب گیهان شناخت، در علم هیئت و آن به طبع رسیده است»^۲ که این اشتباه می‌باشد؛ زیرا تا کنون این کتاب به زیور طبع آراسته نشده است. به یاری خداوند در نظر است، به زودی، این نسخه کهن را اینجانب، به صورت تصویری و با همین گزارش، از سوی این کتابخانه بزرگ چاپ و منتشر سازم.

یادآور می‌شود، خانم دکتر «سونیا برنتیس»، فرزند یکی از کارشناسان هنر ایرانی مقیم در شهر برلین آلمان که در مؤسسه تاریخ علم «ماکس پلانک» با همکاری آقای دکتر «دیوید کینگ»^۳، کارشناس مشهور علم نجوم اسلامی در آن مؤسسه، مقاله‌ای در مورد کتاب گیهان شناخت، در کتاب: تصاویر علمی از نسخه‌های مصور جهان ایرانی، نوشته‌اند، به زودی، در انگلستان به چاپ خواهد رسید. برای بررسی این نسخه، خانم دکتر «ژیوا وسل» فرانسوی عضو مرکز تحقیقات علمی فرانسه (CNRS) و متخصص تاریخ علم، در بخش نسخه‌های خطی فارسی، در پاریس و مؤلف دایرةالمعارفهای فارسی، به زبان فرانسه،^۴ که به قم آمده بود؛ اینجانب اطلاعات لازم را در باره نسخه یادشده، به او ارائه دادم. به گفته وی، نسخه گیهان شناخت کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های خطی فارسی است که او تا کنون دیده است.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، به جز آثاری را که نام بردیم، صدها دانشمند بزرگ، در خلال سده‌های پنجم تا هفتم هجری، آثاری را به فارسی نگاشته‌اند که تفصیل آن، در این گزارش میسر نیست و نیاز به فرصت بیشتر و کتابی مستقل دارد.

* * *

مآخذ:

۱. آثار علوی، شمس‌الدین محمدبن مسعود غزنوی بخاری، به تصحیح مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه، تهران.
۲. ابوحامد غزالی، شرح احوال و افکار و آثار، به کوشش سید محمود مرعشی نجفی، قم، ۱۳۴۱ش.
۳. الاعلام، خیرالدین زرکلی، بیروت، ۱۹۸۹م.
۴. بررسی املاتی دستنویسی از تفسیر سورآبادی، کبری شیروانی،

تهران، فرهنگستان زبان ایران.

۵. برهان قاطع، محمد حسین بن خلف تبریزی، تهران، ۱۳۶۱ش.
۶. بغیة الوعاة، جلال‌الدین سیوطی، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ق / ۱۹۶۴م.
۷. بیست مقالة قزوینی، محمدبن عبدالوهاب قزوینی، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۳۲ش.
۸. پارسی نغز، علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۲۹ش.
۹. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۵۵ش.
۱۰. تاریخ الاسلام «حوادث و وفیات ۵۴۱ - ۵۵۰ق»، شمس‌الدین ذهبی، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م.
۱۱. تاریخ بیهق، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بیهقی «ابن فندق»، به کوشش دکتر قاری سید کلیم‌الله حسینی، حیدرآباد هند، ۱۹۶۸م و به تصحیح و تعلیقات احمد بهمینار، تهران، ۱۳۱۷ش.
۱۲. تاریخ بیهقی، خواجه ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی دبیر، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۰۷ق و به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران، ۱۳۳۶ش و به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران، ۱۳۷۰ش و به تصحیح «مورلی» و کوشش کاپیتان «ولیم ناسولیس»، کلکته هند، ۱۸۶۲م.
۱۳. تاریخ جهانگشای، علاءالدین عطا ملک جونی، به کوشش محمدبن عبدالوهاب قزوینی، لیدن هلند، ۱۳۳۴ق / ۱۹۱۶م.
۱۴. تاریخ حکماء الاسلام، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی، به کوشش محمد کرد علی، دمشق ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۸م یا نسمة صوان الحکمة، ظهیرالدین بیهقی، به کوشش محمد شفیع لاهوری، لاهور، ۱۳۵۱ق / ۱۹۳۵م.
۱۵. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، تهران، ۱۳۶۳ش.
۱۶. تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان «از رودکی تا شهادت سهروردی»، عبدالرفیع حقیقت «رفیع»، تهران، ۱۳۵۷ش.
۱۷. تحفة الغرائب فی النیرنج والعجایب، محمدبن ایوب حاسب

۱. التهنیم، مقدمه سید جلال‌الدین تهرانی، ص م ب - مد.

۲. فرهنگ فارسی، ۱۷۶۱/۶.

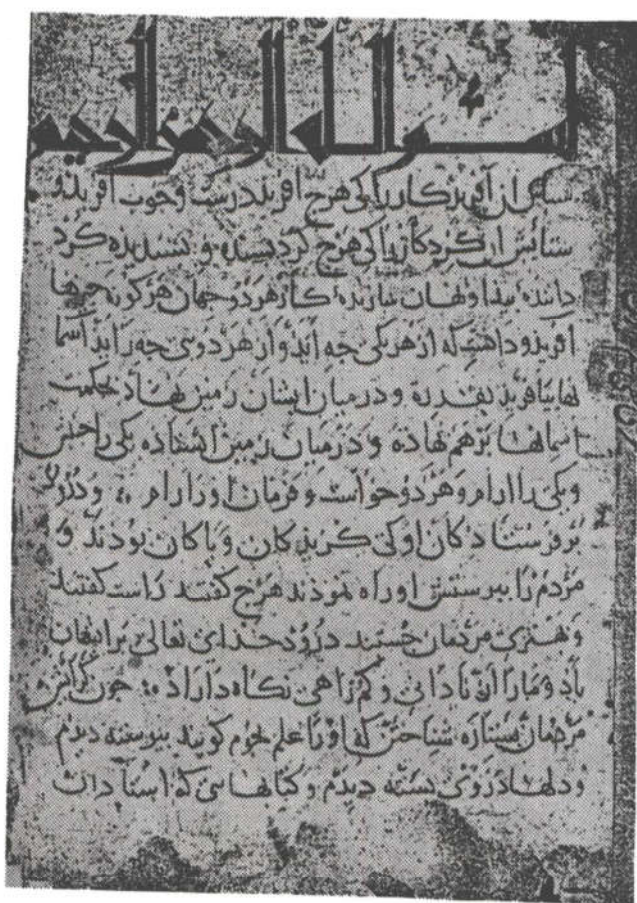
۳. دو جلد بزرگ از فهرس المخطوطات العلمية المحفوظة بدار الکتب المصرية، به عربی و به اشراف ایشان، از سوی دانشگاه فرانکفورت آلمان و دانشگاه نیویورک، در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ میلادی، در قاهره، چاپ شده که در این کتابخانه بزرگ موجود است.

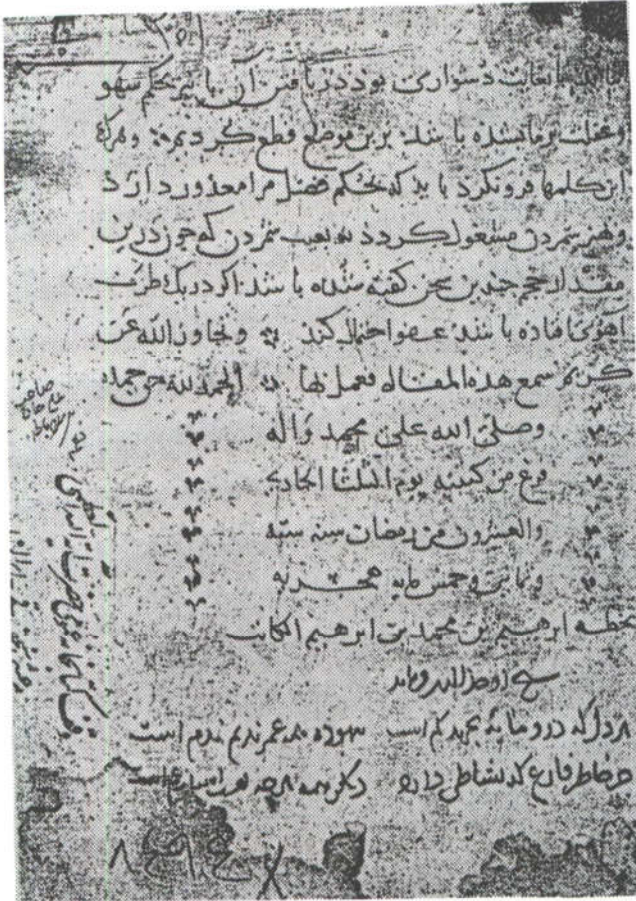
۴. این کتاب، به زبان فارسی ترجمه و در سال ۱۳۶۸ش، در تهران، چاپ شده است.

- طبری، به تصحیح جلال متینی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۸. ترجمه عربی تاریخ بیهقی، یحیی خشاب و صادق نشأت، قاهره، ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م.
۱۹. ترجمه عربی حقائق السحر رشید و طواط، ابراهیم امین شورابی، قاهره، ۱۳۶۴ ق / ۱۹۴۵ م.
۲۰. ترجمه عربی مرزبان نامه، شهاب الدین احمد بن محمد بن عربشاه حنفی دمشقی، قاهره، ۱۳۷۸ ق.
۲۱. تفسیر سورآبادی، ابوبکر عتیق سورآبادی، بامقدمه دکتر پرویز ناتل خانلری، چ تصویری تهران، ۱۳۵۳ ش.
۲۲. التظیم لاوائل صناعة التنجیم، ابوریحان بیرونی، به کوشش جلال الدین همائی، تهران، ۱۳۱۶ - ۱۳۱۸ ش.
۲۳. تکملة الاصناف، علی بن محمد سعید ادیب کریمینی، چ تصویری اسلام آباد پاکستان، ۱۳۶۳ ش.
۲۴. جوامع احکام النجوم، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بیهقی «ابن فندق»، نسخه خطی این کتابخانه بزرگ.
۲۵. چهار مقاله، نظامی عروضی سمرقندی، به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، برلین، ۱۳۴۵ ق / ۱۹۲۷ م.
۲۶. حقائق السحر، رشیدالدین وطواط، تهران، مجلس، بامقدمه عباس اقبال و چاپ سنگی تهران، ۱۳۰۲ ق.
۲۷. دانشنامه ادب فارسی، جلد یکم، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۸. دانشنامه جهان اسلام، جلد چهارم ب، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. ذخیره خوارزمشاهی، سید اسماعیل جرجانی، به کوشش ایرج افشار، تهران ۱۳۴۵ ش و به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، چاپ تصویری، ۱۳۵۵ ش و به تصحیح دکتر محمدحسین اعتمادی و دکتر محمد شهاد و دکتر جلال مصطفوی، تهران، ۱۳۴۴ ش.
۳۰. الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقا بزرگ تهرانی، به کوشش علینقی منزوی، تهران، ۱۳۷۸ ق / ۱۹۶۷ م.
۳۱. راهنمای کتاب، ایرج افشار، مجلدات مختلف، تهران.
۳۲. الرسالة النظامية في العلوم الحسائية، به فارسی، مؤلف مجهول، نسخه کهن خطی این کتابخانه بزرگ.
۳۳. روض الجنان و روح الجنان یا تفسیر ابوالفتح رازی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۴. روضة المنجمین، شهردان جبلی رازی، چ تصویری، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۳۵. سبک شناسی، ملک الشعرا ی بهار، تهران، ۱۳۴۹ ش.
۳۶. سیاستنامه یا سیر الملوک، خواجه نظام الملک طوسی، به اهتمام سید عبدالرحیم خلخالی، تهران، ۱۳۱۰ ش و بامقدمه عباس
- اقبال، تهران، ۱۳۲۰ ش و به کوشش دکتر جعفر شعار، تهران، ۱۳۴۶ ش و بامقدمه و تعلیقات عطاءالله تدین، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۳۷. الشجرة المباركة، فخرالدین رازی، به کوشش سید مهدی رجائی، انتشارات همین کتابخانه، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۸. طبقات اعلام الشيعة «قرن السادس»، آقا بزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، قم، بی تاریخ.
۳۹. عروبة العلماء المنسوبون إلى البلدان الاعجمية، ناجی معروف، ۵ جلد، بغداد.
۴۰. فرائد السلوك في فضائل الملوك، اسحاق بن ابراهیم بن ابی الرشید بن غانم طائی سجاسی، به تصحیح دکتر نورانی وصال و دکتر غلامرضا افراسیابی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۴۱. الفخري في انساب الطالبين، اسماعیل بن حسین مروزی ازورقانی، به کوشش سید مهدی رجائی، انتشارات همین کتابخانه، قم، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. فرهنگ ادبیات فارسی، دکتر زهرا خانلری، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۴۳. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، تهران، ۱۳۵۲ ش.
۴۴. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، یوسف اعتصامی، تهران، ۱۳۱۱ ش.
۴۵. فهرست کتب خطی اهدائی مشکوة به دانشگاه تهران، ج ۳، بخش دوم، تهران، ۱۳۳۲ ش.
۴۶. فهرست مشاهیر ایران از آغاز دورانهای افسانه ای تا زمان حاضر، دکتر ابوالفتح حکیمیان، جلد دوم، تهران ۱۳۵۷ ش.
۴۷. فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۴۸. فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، ۱۳۴۸ ش.
۴۹. فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، از انتشارات این کتابخانه، ج ۱ - ۲۷، قم، ۱۳۵۳ - ۱۳۷۳ ش؛ ج ۲۸ - ۳۰ دستنویس گروه فهرستگاران کتابخانه، به سرپرستی سید محمود مرعشی نجفی.
۵۰. فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۳۹ ش.
۵۱. في التراث العربي، مصطفی جواد، بغداد، ۱۹۷۵ م.
۵۲. قباوسنامه، امیر عنصر المعالی، تهران، ۱۳۲۵ ق / ۱۳۴۶ ش و بمبئی هند، ۱۹۰۷ م.
۵۳. کشف الارتیاب في ترجمة صاحب لباب الانساب والاعقاب والالقب، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، از انتشارات کتابخانه معظم له، ۱۴۱۰ ق.

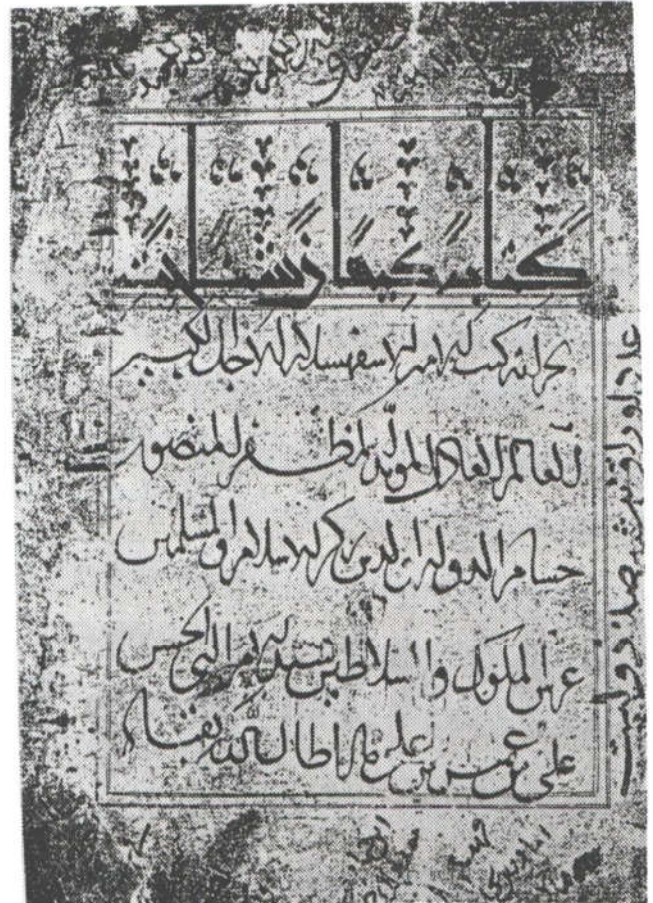
۵۴. کشف المحجوب، هجویری، تصحیح والنسین ژوکوفسکی، تهران، ۱۳۳۶ش / ۱۳۹۹ق و لنینگراد سابق، ۱۹۲۶م و لاهور پاکستان، به تصحیح احمد علی شاه.
۵۵. کلیل و دمنه فارسی، با مقدمه و تصحیح مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۴۳ش.
۵۶. کیمیای سعادت، ابو حامد غزالی، تصحیح احمد آرام، تهران، ۱۳۶۱ش و لکهنو هند، ۱۲۷۹ق و بمبئی، ۱۸۸۳م.
۵۷. گاهنامه ۱۳۱۱ش، سید جلال‌الدین تهرانی، ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ق / ۱۹۳۲ - ۱۹۳۳م.
۵۸. گنجینه سخن، ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۷۰ش.
۵۹. گیهان شناخت، عین‌الزمان ابوعلی حسن قطان مروزی، نسخه خطی کهن کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، شماره ۸۴۹۴
۶۰. لباب الانساب والاعقاب واللقاب، ابوالحسن علی بن زید بیهقی «ابن فندق»، با مقدمه مفصل مرحوم آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، از انتشارات همین کتابخانه، ۱۴۱۰ق، دو جلد.
۶۱. لغت‌نامه، مرحوم علی‌اکبر دهخدا، ذیل «حسن قطان».
۶۲. مجله شرق، تهران، دوره اول (۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ش)، «امام حسن قطان مروزی»، اقبال آشتیانی، میرزا محمد خان قزوینی.
۶۳. مجموعه رسائل رشیدالدین وطواط، به کوشش محمد افندی فهمی، قاهره، ۱۳۱۵ق.
۶۴. مرزبان‌نامه، مرزبان بن رستم بن شروین، با اصلاح سعدالدین الورائینی، به تصحیح مرحوم علامه قزوینی، تهران، ۱۳۱۷ش و ۱۳۵۸ش / ۱۳۳۷ق، به تصحیح علامه قزوینی و سید نصرالله تقوی و لیدن هلند، ۱۳۲۷ق / ۱۹۰۹م، به تصحیح قزوینی و تهران، ۱۳۴۵ش، قطع جیبی و ۱۳۵۲ش، به ضمیمه رساله الترجمان عن کتاب المرزبان، از مرحوم حاج شیخ محمد علی معزی دزفولی.
۶۵. مرصاد العباد، نجم‌الدین رازی، به اهتمام دکتر محمد امین ریاحی، تهران، ۱۳۵۲ش.
۶۶. المصادر، زوزنی، با مقدمه علی‌اکبر فیاض، مشهد، ۱۳۴۰ش و ۱۳۴۵ش و به اهتمام تقی بینش، تهران، ۱۳۷۴ش.
۶۷. معارج نهج البلاغه، ابن‌فندق بیهقی، با مقدمه و تصحیح محمد تقی دانش‌پژوه، قم، ۱۴۰۹ق، از انتشارات این کتابخانه بزرگ.
۶۸. معجم الادباء، یاقوت حموی، به کوشش مارگلیوت، بیروت، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م.
۶۹. المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس‌الدین محمد بن قیس

- رازی، به کوشش ادوارد براون و علامه قزوینی، بیروت، ۱۳۲۷ق / ۱۹۰۹م و به تصحیح علامه قزوینی و مقابله مدرّس رضوی، تهران، ۱۳۳۵ق.
۷۰. نسخه‌های خطی، زیر نظر محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، ۱۳۵۸ش.
۷۱. زهت‌نامه علائی، شهردان بن ابی‌الخیر، تصحیح دکتر فرهنگ جهانپور، تهران، ۱۳۶۲ش.
۷۲. نصیحة الملوک، غزالی، به تصحیح مرحوم جلال‌الدین همائی، تهران، ۱۳۵۱ش.
۷۳. النقص، نصیرالدین ابی‌الرشید عبدالجلیل بن ابوالفضل قزوینی رازی، به تصحیح محدث ارموی، تهران، ۱۳۷۱ق / ۱۳۵۸ش.
۷۴. الوافی بالوفیات، خلیل بن ایبک صفدی، به کوشش رمضان تواب، بیروت، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.
۷۵. یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۶۳ش. به جز عناوینی که نام برده شد، از تعدادی فهرستهای نسخه‌های خطی کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور بهره برده‌ام که به علت حجم گسترده آنها، نام بردن آنها در این گزارش، میسر نیست.





برگ پایانی نسخه گیهان شناخت



پشت برگ آغاز نسخه گیهان شناخت